

ملاقات دولت موقت با برژینسکی بدون اطلاع امام خمینی و شورای انقلاب بود

✽ حجت الاسلام کروبی: موضعگیری دولت موقت بسیار سازشکارانه و غلط بود. بعد از اینکه امام برای قطع رابطه با مصر نامه نوشت همین آقای یزدی به رادیو تلویزیون تلفن کرده بود، نامه خوانده نشود.

✽ یک نماینده مجلس: یازرگان دروغ می گوید. کارش همین است.

✽ حجت الاسلام خلغالی: آقای یازرگان رفتند در مسجد ناسرمک، گفتند: اینها دانشجویان خط امام نیستند، خط شیطانند.

در این جلسه برای نخستین بار بطور رسمی تاکید شد که نخست وزیر و وزیر امور خارجه دولت موقت - که هنوز هم مدعی پیروی از خط امام هستند - به امام خمینی دروغ گفته اند. در این جلسه برای نخستین بار بطور رسمی تاکید شد که دولت موقت، از جمله و بویژه در سیاست خارجی برخلاف خط امام و رهنمود امام خمینی عمل کرده است.

✽ حجت الاسلام خامنه ای: هرگز شورای انقلاب چه مستقیم، چه غیر مستقیم، به وزیر خارجه یا بدولت نرفته است با آمریکا کجدار و مریز کند. ما هیچ اطلاعی نداشتیم که قرار است با مقامات آمریکائی تماس بگیرند، آنهم با برژینسکی که یک مقام امنیتی است. ✽ یک نماینده مجلس: من بینش شما را غلط می دانم آقای یزدی. شما نمی توانید پیام امام را بگیرید. نمی فهمید، می روید با برژینسکی ملاقات می کنید.

✽ یک نماینده مجلس: امام کتاب نوشت: من از این ملاقات بی اطلاع هستم و قبلا هم در این زمینه با من مذاکره نشده است.

در جلسه علنی روز پنجشنبه گذشته، هنگام طرح مسئله گروه گانها، یکی از مهمترین مسائلی که افکار عمومی مردم ایران را بیش از یک سال است بپوشود مشغول داشته، یعنی چگونگی ملاقات نمایندگان دولت موقت (یازرگان - یزدی - چهران) با برژینسکی مطرح شد. در این جلسه برای نخستین بار بطور رسمی از جانب برخی از نمایندگان مجلس و بویژه اعضا شورای انقلاب تاکید شد که ملاقات نمایندگان دولت موقت با برژینسکی بدون اجازه امام خمینی و شورای انقلاب انجام گرفته و گزارش دقیق مذاکرات با برژینسکی - طرح اصلی توطئه - های ضد انقلابی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - نیز به اطلاع امام خمینی و شورای انقلاب نرسیده است.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۷
شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵:۱۵ ریال

تجاوز امپریالیسم به جمهوری اسلامی ایران باشکست حتمی رو برو خواهد شد!

✽ خطر تجاوز و دخالت نظامی امریکا در ایران و راه مقابله با آن
جلسه هفتگی نوبتی «پرسش و پاسخ» روز ۱۲ شهریور ماه جاری با شرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته حزب توده ایران برگزار شد. متن کامل این «پرسش و پاسخ» که شماره ۸ (۱۸) سلسله جزوه های «پرسش و پاسخ» را تشکیل می دهد، طبق معمول به صورت جزوه جداگانه انتشار خواهد یافت. نظر به اهمیت و فوریت برخی از مسائلی که در این جلسه ضمن پاسخ به پرسشها مورد تحلیل قرار گرفت، تسریع در انتشار آن را ضرور دانستیم. پیش اول مطالب این جلسه در شماره حاضر و بخش دوم آن در شماره بعد نامه «مردم» درج میگردد.

جنگ فرسایشی عراق علیه ایران، حلقه ای از توطئه امریکایی بر اندازی جمهوری اسلامی ایران است. هشیار باشیم!

جنگی که رژیم بعث عراق، بدستور امریکایی جنایتکار، بر کشور ما تحمیل کرده، همچنان ادامه دارد، هر روز فجاج تازه ای بیار می آورد و دهها جوان ما را در کام خود فرو می برد. تازه این تنها زیانهای ظاهری این جنگ

حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران:
امریکا میدانست حضور نظامی او در ایران برای ایش گران تمام خواهد شد
✽ می خواهند کاری کنند شاید بتوانند بین پاسداران و معصلان مدارس درگیری ایجاد کنند.

حجت الاسلام خامنه ای در خطبه های نماز جمعه دیروز، ضمن اشاره به کودتای نظامی در ترکیه گفت: «این حرکت و عملی که در آنجا انجام گرفت یک عمل و یک حرکت صد درصد استکباری و آمریکایی بود. وی در قسمت دیگر از سخنانش به تجاوز نیروهای نظامی رژیم بعث عراق به خاک کشور ما اشاره کرد و گفت: «دولت عراق خودش را در دنیا رسوا کرد. نیروهایش را که باید

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران
باهشیاری و آمادگی، توطئه ضد انقلاب برای ایجاد تشنج و نا آرامی را خنثی کنیم!
صفحه ۷

اعلامیه دفتر تحکیم وحدت درباره توطئه به تعطیلی کشاندن مدارس:
امریکا، این شیطان بزرگ... برنامه شکست انقلاب ایران را تدارک دیده است
صفحه ۸

است و هدف اصلی، که در مرکزیات تولید برافروزدگان جنگ قرار دارد، براندازی جمهوری اسلامی ایران و استقرار مجدد رژیم دست نشانده آمریکا در کشور است. دستاویز تجاوز عراق علیه ایران را انگلیسها قبل از جنگ دوم جهانی ایجاد و اختراع کرده اند. آنها با تحمیل قراردادهای استعماری و ایجاد «موارد مورد اختلاف» میان ایران و عراق یک وسیله «بهبانه گیری» و «پیچیده کری» علیه ایران بوجود آورده اند. هرگاه که در ایران یک تحول مترقی پدیدار گشته، «موارد مورد اختلاف» و «بهبانه های علم شده و به وسیله ای برای توطئه علیه ایران مبدل گشته است. نمونه این سیاست استعماری و ضد آزادی را ما یکبار در زمان حکومت مصدق و «اقامه دعواهای» نوری سعید، نوکر انگلیس، علیه این حکومت ملی دیدیم. نمونه دیگر آنرا چند سال قبل دیدیم که دولت عراق، برای سرکوب خلق کوردستان عراق «اختلافات» با ایران را مورد استفاده قرار داد و با موافقتنامه شاه ملعون و صدام جنایتکار در الجزایر، منظور خود را تأمین شده پنداشت و «اختلافات» را مسکوت گذاشت و امروز برای برانداختن نظام جمهوری اسلامی ایران، بازم همان دستاویز استعماری را علم کرده اند. ولی باید این بار هشیاریت بود. دستبرد جدید رژیم بعث عراق علیه مبین ما با دستبردها و بهانه گیری های سابق به هیچوجه قابل قیاس نیست. نباید این جنگ را فقط بمنابئه نبرد میان در ارتش و دعوائی بر سر چند پاسگاه و یا چند تپه و دره تلقی کرد. این جنگ امیر-

پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران
بهر رفیق استانیسلاو کانیا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان

رفیق گرامی استانیسلاو کانیا! از سوی کمیته مرکزی و همه اعضای حزب توده ایران، انتخاب شما را به سمت دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان صمیمانه شادباش میگویم. در این لحظات، که کمیونستها و سایر میسین دوستان راستین لهستان سوسیالیستی، همه کوشش خود را برای چیرگی بر مسائل دشوار کنونی و تحکیم سوسیالیسم در کشورشان متمرکز ساخته اند، کمیته مرکزی حزب توده ایران همبستگی کامل خود را با شما ابراز میدارد. موفقیت شما را در ایفای وظائف سنگینی که حزب برادر در لهستان، در مقام رهبری حزب به شما واگذار کرده است، خواستاریم. با درودهای برادرانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: نورالدین کیانوری
تقویت و گسترش همکاری با کشورهای عضو جبهه پایداری، بنفع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

اتحاد سوریه و لیبی، دو کشور عضو جبهه پایداری، در برابر تجاوز اسرائیل، اقدامیست مثبت، که مواضع سیاسی و نظامی این جبهه را در برابر تجاوز اسرائیل و توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن در منطقه استحکام می بخشد. خوشبختانه تصمیم رهبران دو کشور سوریه و لیبی در مورد وحدت دو کشور از جانب مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران با نظر تأیید استقبال کردید. گرایش به گسترش همکاری و همبستگی با کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادی بخش فلسطین از جانب مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران که در این اواخر بنحوی چشمگیر مشاهده میشود، در عین حال که نمودار شناخت مصالح واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و درک واقع بینانه نسبت به آرایش نیروهای استقلال طلب و ضد امیر-

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی پنجشنبه گذشته مجلس اعلام شد :

ملاقات دولت موقت با پرژینسکی بدون اطلاع امام خمینی و شورای انقلاب بود

بقیه از صفحه ۱

از آنجا که مذاکرات جلسه روز پنجشنبه مجلس دارای اهمیت فوق العاده است... و از آنجا که متأسفانه ما برای درج تمام مذاکرات در یک شماره نامه «مردم» جا نداریم...

در جلسه علنی روز پنجشنبه گذشته، هنگام طرح مسئله گرگانها، ملاقات نمایندگان دولت موقت (بازرگان، یزدی، چمران) با پرژینسکی مطرح شد...

دکتر ابراهیم یزدی همچنین گفت: «تا آن زمان کوچکترین رهنمودی از طرف امام در مورد اینکه باید هیچگونه ملاقاتی صورت نگیرد، داده نشد».

در پاسخ این سخنان نماینده بودروازی لیبزال ایران، که می‌گویند ملاقات با پرژینسکی را به گردن امام خمینی و شورای انقلاب بیاندازد...

حجت الاسلام گروبی، هم اعلام داشت: «وقتی امام برای قطع رابطه با مصر نامه نوشت، دکتر یزدی تلفنی از رادیو و تلویزیون، که توسط قطب زاده اداره میشد، خواست که نامه امام خوانده نشود».

در همین جلسه مهندس مهدی بازرگان اعلام کرد که با طرح احتیاج سلاح‌های آمریکایی به «لوازم پزشکی و تعمیر و تعویض» و باین دلیل که: «نمی‌توانیم از جای دیگر بیاوریم»...

دکتر یزدی سخنران بعدی بود که گفته بود: «دولت موقت اولین مقامی بود که استرداد شاه را خواست»...

در پاسخ به سخنان دکتر ولایتی، در مورد مذاکرات با پرژینسکی توضیحاتی بدهد. وی گفت: «اولاً راجع به ملاقات، همه ما صحبت از مکتب می‌کنیم».

در اینجا یکی از نمایندگان به سخنان دکتر یزدی اعتراض کرد و دکتر یزدی در پاسخ گفت: «حرارت مسیح ینشی شما خوب کار نمیکند».

دکتر یزدی در پاسخ گفت: «این توهین است و باید جواب بدهم».

شما مراعات کنید... دکتر یزدی گفت: «من نمی‌فهمم اگر چنانچه از آقایان دلیل میخواهم که بفرمایند آقایان محترم، آقایان معترضین بفرمایند این کجای قرآن و روش رسول اکرم و ائمه اطهار است که شما نمیتوانید با خصم خودتان چه کافر حربی یا غیر حربی صحبت نکنید».

شما حق دارید پرسید که در این مذاکره ما چه گفتیم، هر مذاکره‌ای سازش نیست... شما این حق را داشتید و وقتی هم که ما برگشتیم از الجزایر در کنفرانس مطبوعاتی تمام جزئیاتی را ما به اطلاع ملت ایران رساندیم...

دکتر یزدی پرسید که در این مذاکره ما چه گفتیم، شما می‌توانید الان بپرسید، چه گفتیم ما در آنجا، تمام یادداشت‌هایش هست... اولین مطلبی که آقای پرژینسکی مطرح کرد این بود که ما هم بپیدا معتقدیم شما هم به‌خدا معتقدید...

ما از آنجا که پرژینسکی گفت: «یعنی شما انقلاب کردید و ما باید به شما غرامت بدهیم» گفتیم: «بله، هر تغییری که شما می‌خواهید، قائل شویم»...

دکتر یزدی ادامه داد: «بعد از اینکه شاه به آمریکا رفت، اخطار کردیم در مقام یک دولت، از آمریکا رسماً طی یادداشتی از آمریکا استرداد شاه و فرج را خواستیم».

دکتر یزدی پرسید: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

سپس آقای فردوسی، نماینده دیگر مجلس گفت: «آن موقع که این ملاقات انجام شد در الجزایر، از تهران، من در دفتر بودم».

بمن ایران می‌گرفتید و محاکمه می‌کردید، پس بنا بر این درباره این ۴۱ میلیارد دلار ما مجبور بودیم با آنها صحبت کنیم...

دکتر یزدی پرسید: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

سپس آقای فردوسی، نماینده دیگر مجلس گفت: «آن موقع که این ملاقات انجام شد در الجزایر، از تهران، من در دفتر بودم».

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

سپس آقای فردوسی، نماینده دیگر مجلس گفت: «آن موقع که این ملاقات انجام شد در الجزایر، از تهران، من در دفتر بودم».

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

انقلاب بود

چه غیر مستقیم، چه بدولت، چه بوزیر خارجه گفته باشد، یا فرمانده باشد که با آمریکا کجدار و مریز رفتار کند، اینرا بعنوان عضو از شورای انقلاب تکذیب می‌کنم...

دوم اینکه شورای انقلاب از اینکه قرار است هیئت ایرانی در الجزایر با پرژینسکی ملاقات کند، مطلقاً خبر نداشت...

نکته دیگری که میخواهم اضافه کنم این است که ایشان اشاره کردند که از نطق ایشان در سازمان ملل و از مذاکراتشان مشروحاً در الجزایر رسانه‌های گروهی خبر نداده‌اند...

دکتر یزدی گفت: «امیر انتظام در زندان است، تکلیفش بعدمه دادگاهی است که میخواهد محاکمه‌اش بکند».

دکتر یزدی پرسید: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

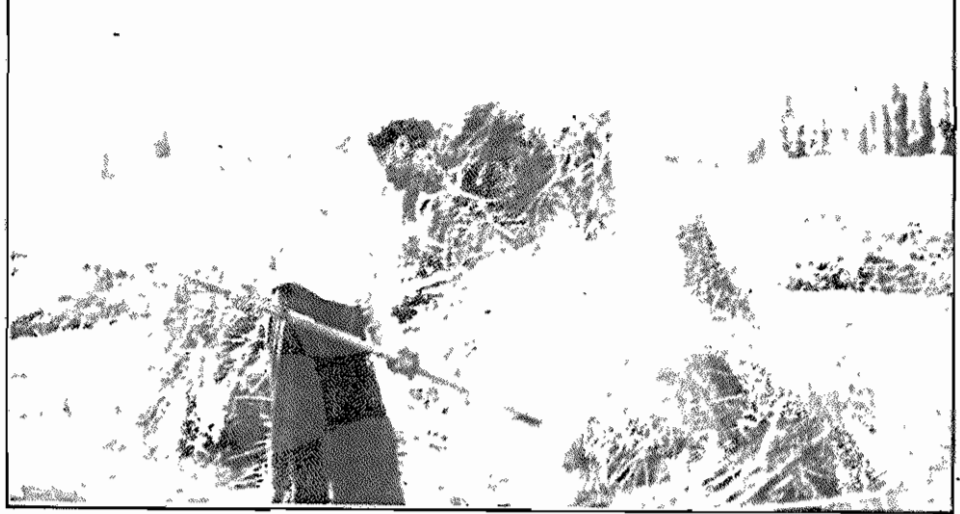
سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

سپس آقای فردوسی، نماینده دیگر مجلس گفت: «آن موقع که این ملاقات انجام شد در الجزایر، از تهران، من در دفتر بودم».

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت: «ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائلش نمی‌گذارد».

روستائیان خسیبجان آب آشامیدنی می خواهند

یکی از دهقانان خسیبجان (اراک) علوفه‌هایی را که در معوطه جمع شده است، برای خرید کردن آماده می‌کند.



روستای خسیبجان در ۴۵ کیلومتری شمال غربی اراک واقع شده است. این روستا در حدود ۱۷۰ خانوار (۱۰۰۰ نفر) جمعیت دارد که از این تعداد ۷۰ خانوار خوش نسین هستند. بزرگ مالکان بر این روستائین، چون بسیاری دیگر از روستاهای میهنمان، جنگ انداخته بودند. مالک بزرگ ده همراه برادرزاده‌اش، احمدعلی خان بیات (که در حال حاضر فراری است) کلیه زمینهای حاصلخیز خسیبجان را در دست داشتند و دهقانان مجبور بودند بر روی زمینهای ارباب، که سابقا متعلق به خودشان بود، کار کنند.

پس از انقلاب، دهقانان بنا به رهنمودهای امام خمینی، زمینهای سابق خود را پاریس گرفتند و به کشت مشغول شدند. از همان ابتدای تقسیم زمین، بزرگ مالک، که پس از مرگ پدر صاحب زمین-های وی شد، و نماینده مالک، بطور مستمر مزاحمت های جدی برای اهالی ایجاد کرده اند. حسین، یکی از اهالی روستا میگوید: "مایک عمر برای ارباب کار کرده ایم. حالا هم که انقلاب شده و حق به حق داریم، بناچاریم کار زندگی را ول کنیم و هفته‌ای دوسه روز با این خرج کران به دادگستری اراک برویم و جوابگوی شکایت بزرگ مالک باشیم. مالک فراری، در زمان طاغوت؟ از دولت وقت برای احداث درمانگاه در روستا پول زیادی دریافت کرد، ولی به جای درمانگاه، باغ بزرگی که به خانهای بزرگ و استخر... مجهز است، برای خودش ساخت، که هنوز وضع مالکیت آن مشخص نیست. یکی از مشکلات مهم اهالی این روستا، کمبود آب آشامیدنی است. یکی از روستائیان می‌گوید: "آبی که مامیخویریم، از روستای جزئی می‌آید که قبل از اینکه به ده ما برسد، آنها (اهالی روستای جزئی) از آن استفاده می‌کنند و این آب فقط پدرد کشاورزی میخورد. خدا شاهد است که ما از این آب لاشه‌سگ هم درآوردیم و از روی ناچاری از همان آب خوردیم. اهالی روستای حل این مشکل، چندجاه در روستای خود احداث کرده‌اند، که کفاف احتیاجات آنها را نمی‌دهد. در ضمن علت فقدان امکانات آب، یکی از کودکان این روستا در جاه افتادو خفه شد. یکی از روستائیان در پاسخ این سؤال که: از امام خمینی و دولت انقلاب چه انتظاری دارید، پاسخ می‌دهد: "خدا به امام عمر باعزت بدهد. ما انتظار داریم که مشکل آب خوردن را برای ما حل کند و شرمالک را از سر ما کوتاه."

روستائیان روستاهای فرامان برای دفاع از انقلاب خواستار عضویت در بسیج مستضعفان هستند

۵- ضمن اعلام آمادگی عضویت یافتن در بسیج ملی فرمان، از مقامات مسئول بسیج خواستاریم امکانات رشد مداوم ما را در ابعاد کوتاگون فراهم سازند.

۶- چون در بعضی از ادارات ماهنوز هم مواجه با همان افراد طاغوتی هستیم، خواستار تشکیل هیئت ناکسازی در فرمان می‌باشیم، تا با قاطعیت و با اتکا به موازین اسلامی، محیط ادارات را از عناصر ناشایست پاک نمایند.

۷- از دولت خواستاریم امکانات کشاورزی را در جهت افزایش تولید با تشکیلات منظم و در ارتباط با جهاد سازندگی و شوراهای اسلامی روستا فراهم آورد.

۸- ما از وزارت بهداشت و بهزیستی می‌خواهیم تا در مورد امور بهداشت و پزشکی برای روستاهای جدید بیشتری بنمانند.

۹- از نخست وزیر و مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم تا امکانات بیشتری را در اختیار جهاد سازندگی قرار دهند، تا این برادران و خواهران بتوانند فارغ از دغدغه کمبود بودجه در امر بازسازی روستاها تلاش کنند.

مفاد این قطعنامه نشان دهنده ایمان، اعتقاد و امید دهقانان زحمتکش به انقلاب شکوهمند ماست. دهقانان خواهان طرد جدی روابط بزرگ مالکی و ایجاد مناسبات عادلانه در سطح روستاها هستند. از نیروی عظیم این توده‌های دهقانی، که با ایمان و عشق به انقلاب، آماده فداکاری و دفاع از دستاورد های انقلاب هستند، باید به نحو احسن در تحکیم انقلاب استفاده کرد. با حل مسئله ارضی نفع دهقانان زحمتکش، با عمل سریع و قاطع هیئت ۷ نفری و باتکیه به نهادهای انقلابی، و با حل مسائل رفاهی آنان، از انقلاب حفاظت کنید.

با رسیدگی به خواستههای روستائیان گرسنگی، جلوی خرابکاریهای ضد انقلاب را سد کنید

دهکده گرگ تپه در ۴ کیلومتری جاده تهران - ورامین واقع است. این دهکده در دوران قبل از رضاخان و بعد مسجد سپهسالار بود، که رضاخان با دهی دیگر آنرا معاوضه تصاحب می‌کند.

به علت خیانت‌های بانک عمران سابق و سیاست صدهقانی رژیم گذشته، ۹۰ خرد مالک این دهکده از فقر و بدبختی مجبور به فروش زمین کوچک خود می‌شوند. در حال حاضر این خرد مالکان مشغول مزدوری برای دیگران هستند.

مدتی پیش، مسئولین مسجد سپهسالار، قبل از بررسی و تحقیق در مورد وقفی بودن دهکده و در آمد کشاورزان، دستور عدم معاملات زمینهای دهکده را به اداره ثبت ورامین صادر کردند، که بلا فاصله صد انقلاب از فرصت استفاده کرد و زمین کشاورزان - سابق کرد که دولت انقلابی، زمینی را که شاه به شما داده (۱) پس می‌گیرد و یا مبلغ زیادی باید مال - الاجاره بپردازد.

پس از روشن شدن جریان، ضدانقلاب شیا نه مورجاه عمیق دهکده را به آتش کشید، که به کلی غیر قابل تعمیر و استفاده شد. البته با کوشش و کمک مالی عده‌ای از معتمدین محلی، پس از نابودی محصول، اهالی موفق به خرید یک موتور دست دوم شدند. خواست اساسی روستائیان، تأمین آب - زراعتی روستا و تشکیل شرکت تعاونی است. امید است که مقامات مسئول به خواست آنان جامه عمل - بیوشانند و خرابکاریهای ضدانقلاب را عقیم گذارند.

دهقانان حق وردي زمین می خواهند

روستای حق وردی آباد، با ۱۵ خانوار جمعیت، در ۳ کیلومتری جلفای مرند واقع است. اکثر دهقانان این روستا کم زمین و بی‌زمین هستند. عده‌ای از روستائیان، به علت نداشتن درآمد کافی، به حلقه مهاجرت کرده‌اند و در آنجا مشغول بکارند.

۴۰۰ هکتار زمین بصورت بایر و بصورت چراگاه در دست یک بزرگ مالک است. دهقانان برای گرفتن حق خود از زمین و استفاده از چراگاهها به مقامات دولتی سکایت کرده اند. ولی بر اثر اعمال نفوذ این بزرگ مالک، زمینها همچنان در انحصار او باقیست. زحمتکشان روستایی بحق انتظار دارند که مقامات دولتی از آنها در برابر بزرگ مالکان حمایت کنند، تا بتوانند در امر پیشبرد انقلاب و شکوفایی روستاها خدمت کنند.

در این روستا زمینهای بایر فراوانی وجود دارد. باید با کمال کوشش از آب رودخانه ارس و یا حفر چاه - های عمیق، این زمینها را قابل کشت و بارور کرد، تا از این طریق به ازدیاد سطح زیر کشت کمک شود. دهقانان باید شورای ده را، که دارای بودجه و

اختیارات است و تکیه‌گاه مردمی باید داشته باشند، تشکیل دهند و با تشکل خود در اتحادیه‌های دهقانی، بر اساس داوطلبانه، منافع صنفی خود را حفظ و حراست کنند. تشکیل شورا برای رسیدگی به امور عمرانی ده و سر و سامان دادن به تولید و تعاونی‌ها و همکاری با

ادارات دولتی لازم است و تشکل در اتحادیه نیر برای اتحاد دهقانان و کوشش جمعی در جهت دفاع از منافع دهقانان و نظارت بر اجرای قانون اصلاحات ارضی و عمل شورای ده و کمک به آن و به سایر نهادهای انقلابی ضروری است.

در این روستا نیز باید در درجه اول با اجرای پیگیر قانون، بزرگ مالکی را از بین برد. هیئت ۷ نفری باید فوراً و قاطعانه عمل کند و زمینها را به دهقانان تهبست، که آبادکنندگان آن و بدست - آورندگان محصول هستند، واگذار کند.

گذری به روستا

روستای غیزانیه، آمیزه‌ای از حرمان و امید

روستای غیزانیه در ۵۸ کیلومتری جاده اهواز - هفتگل، یکی از هزاران روستای حرمان زده‌ای است که در قلب سرزمین طلیح سیاه، یعنی خوزستان قرار دارد. در این روستا بیش از ۱۲۰ خانوار عرب‌زندی می‌کنند، که قریب پنج - ششم آنها را دهقانان کم زمین و بی‌زمین تشکیل می‌دهند. بیشتر زمینهای قابل کشت در روستای غیزانیه به فرزندان یک فئودال سرشناس تعلق دارد که حدود بیست فئودت کرده است.

در غیزانیه از حمام خبری نیست. برق هم هنوز نکشیده‌اند. سیل خوزستان در زمستان سال ۵۸، حمل - خانوار روستای غیزانیه را بی‌خانمان کرد و آنان را در فلکوتی مرارت بار فرورود.

بنیاد ممکن، به منظور کمک به سیزلزدگان غیزانیه و سایر روستاهای اطراف اقدام به تأسیس یک کارگاه بلوک زنی کرده است. در این کارگاه افراد خانواده‌هایی که سیل خانه‌شان را ویران کرده است، به کار اشتغال دارند و هر کدام، به ازای هر بلوک که می‌سازند، ۵ تا ۷ ریال دستمزد می‌گیرند. قرار است بلوک‌هایی که به این ترتیب ساخته می‌شود، بطور رایگان در اختیار سیزلزدگان قرار گیرد. اما از آنجا که ساختن خانه مستلزم تهیه ماسه و سیمان... است،

اخبار دهقانی

خواستههای اهالی امامزاده اسحق (استان گیلان)

امامزاده اسحق، یکی از بقاع متبرکه گیلان است، بیش از ۵۰ کیلومتر با رشت فاصله دارد و فقط ۹ خانوار (۷۰-۸۰ نفر) در آن زندگی می‌کنند. اهالی طالشی‌اند و طالشی‌ها اغلب دامداری میکنند، اما اهالی امامزاده اسحق گاو و گوسفندی ندارند. درآمد آنها از گزرایه، اطافهائی که زایرین می‌پردازند تأمین میشود. آنها همچنین در زمینهای سنگلاخی اطراف امامزاده، باقلا و خیار می‌کارند، که این کار فقط بمنظور رفع نیازمندیهای خود اهالی صورت می‌گیرد و مقدار محصولات آنها آنقدر نیست که بتوانند آنرا برای فروش به بازار عرضه کنند.

امامزاده اسحق جاده مناسبی رو ندارد. در دوران طاغوت حاده‌ای از سالما و نصیر محله به امامزاده اسحق کشیده بودند، ولی به جهت اینکه جاده خاکی بود و شن ریزی در آن صورت نگرفته بود، برانبارندگی از بین رفت و غیر قابل استفاده شد. لازم بتذکرات که در همان موقع هم به علت سیب‌های تند، فقط انواع خصوصی از ماشینها مثل جیب و تراکتور و موتور می‌توانستند از آن عبور کنند. در حال حاضر امامزاده اسحق برق ندارد. موتور برق یا همیاری و خرج اهالی تهیه و نصب شد ولی چون نگهداری موتور مستلزم مهارت فنی بود و این تخصص وجود نداشت، موتور سوخت و بی‌استفاده شد.

آب اهالی از چشمه تأمین می‌گردد و لوله‌کشی با کمک خود اهالی صورت گرفت، ولی موتوری کسه بتواند آب را درون لوله‌ها به جریان اندازد، وجود ندارد. به این خاطر لوله‌کشی نیز بی‌استفاده مانده است. خانه اهالی از حوب جنگل است. آنها با حوب جنگل برای کار خودشان ابزار نیز می‌سازند. در امامزاده اسحق حمام، مدرسه، درمانگاه، آب و برق و حیلی چیزهای دیگر وجود ندارد. بایکی از اهالی وارد گفتگو می‌شویم، وقتی از او سؤال می‌کنیم: فرزندت به مدرسه می‌رود یا نه، می‌گوید: "نه آقا مدرسه می‌خواهد حه کند! از چشمه آب آوردن و به مسافرین نام و نهار دادن که سواد نمی‌خواهد!"

خانه‌های رثاری امامزاده اسحق (یعنی همان نه خانوار) به یک حان تعلق دارد، و اهالی سالانه هر کدام از ۲۴۰۰ تا سه هزار تومان بابت اجاره زمین به وی می‌پردازند! ارباب نیز خود در آنجا یک خانه ویلائی نسبتاً بزرگ دارد. ارباب تا بستن آنها همراه خانواده‌هاش سوار سراسب و قاطر به آحا می‌آید، به محض اینکه ارباب وارد میشود، اهالی "موظفند" به دست بوسن بروند. (ما ناظر این جریان بودیم) و سپس مبلغ اجاره بها را می‌پردازند.

متولی بقعه، که رابرسا سیز دارد، میگوید: "بقعه سالانه حدود ۷۰-۸۰ هزار تومان درآمد دارد. اوقاف این پول را برمی‌دارد و با هر چه می‌گویی به ماموتور آب و برق بدهد، جاده را مرمت کند، کسی به حرف ما گوش نمی‌کند." در امامزاده اسحق برک و درمانگاه وجود ندارد و اگر یکی از اهالی بیمار شود، امکان مرگ او بسیار است.

می‌پرسم از دولت چه انتظاری دارید؟ می‌گوید: "خدا عمر و عزت امام را زیاد کند. ما اولاً سلامتی امام را می‌خواهیم و ثانیاً این را می‌خواهیم که امام دستور دهند که این جاده درست شود، موتور آب و برق را هم درست کنند، چون آنوقت ماشین می‌آید و مسافر می‌آورد. مسافر هم که زیاد شود، خود بخود وضع زندگی ما هم بهبود می‌یابد."

امامزاده اسحق ده کوچکی است، ولی بهمان ۷۰-۸۰ نفر هم میتوان توجه لازم را کرد، مسئله گزرایه زمین را باید حل کرد و به خواسته‌های اهالی، که عمده‌ترین آنها ایجاد حاده، درمانگاه، مدرسه و دیگر نیازهای ابتدائی رفاهی است، رسیدگی کرد. اهالی با کمک نهادهای انقلابی و حکام سرع میتوانند از اوقاف بطلسند که درآمدهای حاصله و یا لااقل بخشی از آنرا صرف نیازهای ابتدائی این مردم کند.

سیلزندگان بدلیل ضعف مالی، با مشکل تهیه اسن قبیل مصالح ساختمانی دست به گریبان‌اند.

بنیاد مسکن تخمس گرفته است که وام در اختیار آنها قرار دهد، اما بعد از گذشت ۵ ماه از تأسیس این کارگاه، این تخمس هنوز عطفی نشده و پیشرفت چندانی در کارها حاصل نگردیده است. علت این امر ظاهراً فقدان امکانات فنی لازم در کارگاه و مسامحه‌کاری بعضی از مسئولین امر ارگان‌های اجرایی است.

باکمال تاسف باید گفت که هنوز جمع‌کنیری از سیزلزدگان غیزانیه در هوای سوزان و جهنمی‌گامگان در جادر زندگی می‌کنند و این وضع تاکنون حدیسن بار سبب گرامزدگی و بیماری کودکان و اطفال خانواده های سیزلزده شده است.

سیلزندگان غیزانیه و دیگر خانوارهای محروم در این روستا در بیم و امید بسر می‌برند. انقلاب باید آنان را از جنگال فقر و تنگدستی نجات دهد. آنها از مقامات مسئول و ارگانهای اجرایی جمهوری اسلامی ایران مصرا نه میطلبند که غیزانیه و محرومیت‌های آن را دریابند و با اقدامات قاطع و انقلابی موجبات رفاه و آسایش دهها خانوار مستضعف را که پنج ششم آنها بی‌زمین و کم‌زمین هستند، فراهم سازند. اجرای قانون توسط هیئت ۷ نفری و ایجاد یک تعاونی برای کلیه راعین در روی ملک مناعی که از فئودال متوفی گرفته شود، اولین کام در این راه است.

دهقانان چشم براهند: هیئت‌های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقاطع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را به انجام برسانند

دهقانان چشم براهند: هیئت‌های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقاطع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را به انجام برسانند

خطر تجاوز و دخالت نظامی

جلسه هفتگی نویسی «پرسش و پاسخ» روز ۱۲ شهریورماه جاری با شرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، برگزار شد. متن کامل این «پرسش و پاسخ» که شماره ۸ (۱۸) سلسله جزوه‌های «پرسش و پاسخ» را تشکیل می‌دهد، طبق معمول به صورت جزوه جداگانه انتشار خواهد یافت. نظر به اهمیت و فوریت برخی از مسائلی که در این جلسه ضمن پاسخ به پرسش‌ها مورد تحلیل قرار گرفت، تسریع در انتشار آنرا ضرور دانستیم. بخش اول مطالب این جلسه در شماره حاضر و بخش دوم آن در شماره بعد نامه «مردم» درج می‌گردد.

س. — سماهواره خطر آمریکا و احتمال دخالت نظامی این ابرقدرت را در ایران کویز می‌کنید. شمار برای مقابله با این خطر چه پیشنهاد عملی دارید؟ به عقیده شما آیا نیروهای تجاوز کار قادر به مقابله با یک میلیون نفر ارتش مقاومت مستقیمین، حدود سیصد هزار نفر پاسداران انقلاب و حدود دو بیست هزار نفر ارتش جمهوری اسلامی هستند؟

ج. — سببید، ما این اعداد و ارقام، به نظر ما، نمی‌شود روداد. های سیاسی، برخورد های مهم سیاسی را در یک کشور خلاصه کرد. ما الان خود می‌دانیم که در میان مردم ایران یک نیروی عظیم مقاومت در مقابل خطر تجاوز آمریکا وجود دارد. این درست است، این نیروی مقاومت به مراتب بیشتر از نیرویی است که در ۲۸ مرداد وجود داشته است. اگر ما شرایط امروز را با ۲۸ مرداد مقایسه کنیم، این مقایسه بهیچوجه و در هیچ جهتی، به سود امپریالیسم نیست. در ۲۸ مرداد، شاه، فرمانده کل ارتش وجود داشت، ارتش، می‌سود گفت، قسمت اعظم، قسمت تعیین کننده اش، در اختیار شاه و امپریالیسم بود. مستشاران آمریکایی در ارتش، در راننداری معال بودند. سفارت آمریکا در اینجا بود و نیروی اجتماعی، نیروی مقابله کننده با نیروهای ارتجاعی کودتایی، مسلح نبودند، حزب بوده، ایران یعنی تنها حزبی که از لحاظ سیاسی در مقابل امکان کودتا مقاومت می‌کرد، در شرایط مخفی بسر می‌برد و خود دو لیت بهیچوجه آمادگی مقابله، حتی با خطر کودتا را نداشت و تا ساعت آخر اصلا باور نمی‌کرد که کودتایی بشود. حالا به کلی وضع طور دگرگشت. حالا ارتش شاهنشاهی به آن شکل درهم شکسته شده، پلیس درهم شکسته شده است. درست است که در ارتش نیروهای ارتجاعی هستند، افسران ارتجاعی هستند، ولی آنها بهیچوجه حس امکانی ندارند که ارتش را در مجموع آن به نفع ضد انقلاب، به سود امپریالیسم به حرکت دریاورند و وارد میدان عمل بکنند. در خارج از ارتش نیروهای مسلح خلق، به صورت پاسداران، به صورت نیروهای مقاومت ملی که همین سیخ مستضعفین است، وجود دارند، مردمی، ماده مقاومت هستند، شاهی وجود ندارد، فرماندهی بدست نیروهای ارتجاعی نیست، در فرماندهی کل نیروهای ضد امپریالیستی، شخصیتی مثل امام خمینی قرار گرفته که با قاطعیت در مقابل دشمن ایستاده است و هواداران خط او چه از نیروهای انقلابی چه که ما هستیم، چه از نیروهای انقلابی مذهبی که هواداران خط امام هستند، مواضع صهی را در مجموعه جامعه در دست دارند و تازه امپریالیسم آن امپریالیسم سال ۱۳۳۲ نیست. در سال ۱۳۳۲ اتحاد شوروی هم کشوری بود که تازه از جنگ بیرون آمده بود، سراپا زخم خورده بود، ۲۰ میلیون کشته و ۲۰ میلیون زخمی داده بود، فقط ۷ سال از خاتمه جنگ می‌گذشت. هنوز شهرهای شوروی خودشان را از خرابی های جنگ بیرون نیاورده بودند، اقتصاد شوروی در دوران جنگ ضربه های سخت خورده بود. سرکشی آمریکا، کشور تازه نفس، صاحب صنایع بزرگ مدرن جهانی، بمب اتمی در اختیارش بود و همه وسایل را داشت. اما امروز بکلی تناسب نیروها در دنیا به سود نیروهای ضد امپریالیستی تغییر کرده است. امروز ما در همین منطقه خودمان می‌بینیم که سوریه هست، یمن جنوبی هست، اتیوپی هست، افغانستان هست و در کشورهای دیگر همه جا می‌جوئد، عراق، پاکستان و حتی عربستانی که تا بار سال کسی نمی‌توانست نفس بکشد. الان جنبش همه جا گسترش می‌یابد. در هندوستان هم وضع بکلی عوض شده، در آفریقا ده کشور با خط سوسیالیستی پیداشده، جنوب عربی آسیای کلی دگرگون شده است؛ در آنجا سه کشور سوسیالیستی با پایگاه مهم خلقی، ویتنام و لائوس و کامبوج، الان به عنوان سنگر بزرگ آزادخواهی و ضد امپریالیستی بوجود آمده است. در آمریکا الان تا من می‌بینم که الان به تنها کویای انقلابی تثبیت شده، نیکاراگوئه انقلابش پیروز می‌شود، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر آنجا نیز زمزمه برای امپریالیسم به لرزه در آمده، یعنی دسا تفاوت خلقی ریادی کرده است.

اگر ما شرایط حالا را با ۲۸ مرداد مقایسه بکنیم، می‌بینیم این شرایط چه در داخل ایران و چه در خارج آن بطور غیرقابل ساسای به سود انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما عوض شده است. ولی آیا با وجود همه اینها، خطری انقلاب ایران را تهدید می‌کند؟ باید گفت که خطری هنوز انقلاب را تهدید نمی‌کند، زیرا امپریالیسم، اگر چه خیلی تصعیف شده است، ولی هنوز خیلی سرو دارد، امکانات زیادی دارد که از ضعفهای داخلی انقلاب ما استفاده کند و در لحظه معین ضربه وارد بیاورد. اما آیا این ضربه می‌تواند صورت یک ضربه قاطع آنی، مثل ۲۸ مرداد باشد یعنی امپریالیسم سواد در یک لحظه حکومت کومنی جمهوری اسلامی را سرنگون کند؟ «حکومت آقای مختیار» را روی کار بیاورد؟ این قبول کردس حلی دسوار است. چنین معییری خیلی بعد است. ولی برای اینکه امپریالیسم جنبش ضربه ای را آغاز کند، شرایط وجود دارد. نمونه‌های همین دو تا توطئه کودتایی است که تا به حال ما شاهدس بوده‌ایم. امپریالیسم دوباره این اقدام مستر رده است ما این حساب که بتواند در داخل ایران نیروهای دسی را در لحظه معینی برای وارد آوردن یک ضربه سخت بکار اندازد. و این ضربه در همان ساعت اول حان مهلک باشد که سازمان جمهوری اسلامی را بکلی از هم بپاسد، متزلزل کند و بعد او تواند با نیروهای که از خارج وارد ایران می‌کند، تسلط خودش را در مجموع به تدریج برقرار کند. حساب کودتای اول و کودتای دوم که حتی سید جنب بود.

ما فکر می‌کنیم که امپریالیسم علاوه بر این حساب هایی که

داشته، این حساب را هم می‌کرده که نقشه سومی که الان دارد. تدارک می‌بیند، در آخرین ماحراها بیاده شود، یعنی تجزیه ایران از طریق اشغال مناطق غربی و جنوبی ایران و تصعیف آن مناطقی که نتواند در همان لحظه اول و ضربه اول به تصرف خودش در آورد. نقشه امپریالیسم همانطور که الان فاس شده و دقیقاً ما می‌دانیم و قبلاً هم اطلاع پیدا کردیم. این است که با یک حمله ناگهانی، با حمله به نیروهای اصلی هوادار نظام جمهوری اسلامی، به ویژه به رهبری این سروها، بتواند در تمام جمهوری اسلامی درهم برهمی به وجود آورد و مناطق جنوب کشور، و اگر نتوانست بعضی از شهرهای مهم کشور را در اشغال ثابت خود نگهدارد. یعنی در تهران، در اصفهان، در تبریز، در مشهد، در شیراز. اینها ساید هم سبب بینی نمی‌کردند که مقداری از نیروهای خودشان تلف شود. فسرهای یائینی مسلطاً تصور می‌کردند که پیروزی با آنهاست، یعنی فکر می‌کردند با مبارزان فرضاً مقرر امام و مجلس و قم — باکنتار — مسئولان حزب توده ایران و کنتار عده زیادی از مردم به کمک بسبب های ناپالم و غیره، چنان وحشتی در مردم ایجاد می‌کنند که مردم، دیگر امکان نفس کشیدن نداشتند. آنها نقشه داشتند که ساعات قبل از عمل، تمام پاسداران را در پاسگاه‌هایشان با گازهای شیمیایی خواب کنند و بکلی فلج بکنند، یعنی حساب آنها این بود که ضربه آنقدر توانا خواهد بود که در همان لحظه اول بتواند مقاومت را به کلی فلج کند.

ولی ما معتقد هستیم که اگر این ضربه هم زده می‌شد، مقاومت را در ایران هرگز نمی‌توانست فلج کند، چون بالاخره لازم بود که آنها این ۳۵ میلیون را تسخیر کنند. ما می‌دانیم که الان نیروی مقاومت در همه جا هست، خط امام هست، پاسدار در آن هست، در شهر هست، در راهها هست، توده‌های هست ۴ انواع مبارزان دیگر هستند. اینها همه به مقاومت برمی‌خیزند، یعنی در هر حال اگر آن ضربه هم فرود می‌آمد، کار به جنگ داخلی می‌کشید. هدف آنها این بود که چنین نشود. حالا هم که این دو توطئه کودتایی به این شکل در هم شکسته شده، هنوز نقشه همان نقشه است؛ نقشه وارد آوردن یک ضربه سخت برای فلج کردن این دستگاه مقاومت در سراسر ایران، به ویژه در شهرهای بزرگ و در درجه اول جدا کردن مناطق غربی و جنوبی ایران، تجزیه ایران را ایجاد یک کره، ایجاد یک ویتنام سابق، ایجاد یک کشور تجزیه شده در ایران.

آنها فکر می‌کنند که به خصوص اگر دست دولت مرکزی ایران را از منابع نفتی گروانه کنند و درآمد نفتی اش را از بین ببرند، اقتصاد ایران چنان لطمه خواهد دید و دستگاه حاکم ایران چنان فلج خواهد شد که دیگر توانایی نگهداری جامعه را نخواهد داشت و خودش فرو خواهد پاشید. به نظر ما آنها این احتمال را هم به حساب می‌گذارند که اگر بتوانند این نقشه را عملی کنند یعنی قسمت جنوبی ایران را جدا کنند، آتوتق در آنجا یک دولت پوتالی مثل کره جنوبی و ویتنام جنوبی سابق، به وجود بیاورند و بعد کشورهای غربی آن دولت را به رسمیت بشناسند و حتی تمام آن منابع ارزی ایران را که در بانکهای اروپایی هست — در اختیار این «دولت» قرار بدهند.

چنین نقشه‌های هم آنها می‌توانند برای فلج کردن کامل — اقتصادی و اجتماعی در ایران داشته باشند و این نقشه راهنوز در سر می‌پروراند.

البته پیاده کردن این نقشه کار آسانی نیست، برای اینکه الان دیگر جمهوری اسلامی، و نیروهای مبارزان آن ۴ این نقشه را شناخته و فاش کرده‌اند و یک نقشه شناخته شده امکان موفقیتش به مراتب کمتر است، ولی آیا آمریکایی‌ها از انجام این نقشه یا نقشه‌های نظیر آن برای وارد آوردن ضربه بر ایران، با وجود این که شناس موفقیتش خیلی کم هست، دست برخواهند داشت؟ تاریخ در برابر این سؤال جواب منفی به ما نداده است. دستگاه است آمریکا در تاریخ تاکنون آنقدر حماقت های بزرگ کرده، آنقدر دیوانگی کرده که بعید نیست همین دستگاه رهبری آمریکا، با وجود خطرات بزرگی که برای چنین نقشه ماجرا جوانبانی می‌تواند وجود داشته باشد، مثل قمار بازی های ناک ساخته، به چنین ماجراجویی دست بزند. چرا می‌گوئیم مثل قمار بازی های ناک ساخته؟ برای اینکه مسلم این است که تثبیت انقلاب ایران در همین چهار چوب کومنی خودش، در چهار چوب جمهوری اسلامی، با تمام کمبودها و نواقضش، یک مرکز تشعشع بسیار نیرومند جنبش ضد امپریالیستی در سراسر این منطقه و حتی دور تر از این منطقه خواهد بود و امپریالیسم آمریکا هم همانطور که می‌دانیم به این منطقه به عنوان مهم ترین منطقه — استراتژیک برای حیات اقتصاد جهان سرمایه‌داری نگاه می‌کند. بخود نیست که رئیس جمهور آمریکا اعلام می‌کند که ما از آلمان، غربی و ایران دست بردار نیستیم، چون به خوبی می‌داند که اگر در آلمان غربی، تغییرات بنیادی به سود یک گرایش سوسیالیستی ضد امپریالیستی پیدا شود، نگهداشتن اروپا دیگر غیرممکن است. در ایران هم اگر موضوعی سیاسی عمیق ضد امپریالیستی، آنطوریکه الان در روند سیاسی جمهوری اسلامی هست، تثبیت شود، دیگر سراسر منطقه را به این آسانی‌ها نمی‌سود نگاه داشت.

ما الان می‌بینیم که بازتاب مجموعه جهان جنبش ضد امپریالیستی در دنیا و سیروزی های دهساله گذشته که یکی از مهمترین آنها پیروزی انقلاب ایران است، منطقه را سخت به لرزه در آورده است. ما می‌بینیم که در پاکستان وضع حکومت ضاه الحق خیلی متزلزل شده است و نیروهای اجتماعی بسیار قوی به حرکت در آمده اند و این نظیر همان وضعی است که چند سال قبل از انقلاب در ایران می‌دیدیم، چنین وضعی در آن جا هم حالا پیدا شده است. افغانستان را در نظر بگیرید؛ تمام توطئه‌های امپریالیسم، چین و پاکستان در آنجا با شکست روبرو شده، حالا خودشان هم مجبورند بنویسند که دیگر این «ارتش روس» نیست، بلکه داوطلبان افغانی از میان عشایر، از میان جوانها، از میان دانشجویان هستند که به مبارزه علیه این سرنویان می‌روند. این را حالا خودشان مجبورند اعتراف کنند، چون تا حالا اینجوری می‌گفتند که افغان‌ها نمی‌چنگند و فقط روسها هستند، ارتش افغان به کلی مضمحل شده است، از ۹۰ هزار تا یک دفته ده هزار تا مانده بود. بعد شد ۲۰ هزار تا، بعد شد ۳۰ هزار تا، یک مرتبه دیگر باز دو مرتبه شد ۱۰ هزار تا و بعد شد ۴۰ هزار تا. خوب می‌دروغ گفتند و دروغ گفتند و حالا باید بگویند که، آخر چه شد؟ این افغانستان که چندین باره — در دس در دست نیروهای مخالف دولت بود، حطور شد که آن‌ده

در دس را بالاخره نکرقتند و همانطور مانده است و تلفات هم که دیگری گفتند و می‌گفتند، آخر با آن آمارهایی که دادند دیگر چیزی از ارتش صدهزار نفری افغانستان و ارتش صدهزار نفری نیروی باقی نمانده بود! بدین ترتیب حالا باید یواش یواش زمینه فکری را آماده کنند، چون آنها دارد آرام می‌شود. امروز در نامه «مردم» رفقایی که خوانده‌اند (البته با آنها می‌کنند خوانده‌اند، حرفی ندارم) دیدند که آن نویسنده معروف فرانسوی چه نوشته است. واقعاً که خیلی حالب است. او نوشته است: هر قدر هم که آدم به برتری دروغ‌هایی که رسانه‌های گروهی غربی در مورد کشورهای سوسیالیستی و جنبش های آزادیبخش ملی، جنبش های ضد امپریالیستی، به هم می‌یافند، عادت کرده باشد، باز وقتی وارد کابل می‌شود، ماب می‌ماند که چطور ممکن است بتوانند اینقدر دروغ بگویند. اینقدر در باره کابل و اوضاع آنجا دروغ بگویند. آنها شهر آرامی است که زندگی با کمال آراش ادامه دارد و از محاصره و ارتش و از اسکه در خیابان ها مسلسل و تانک هست، نان نیست، آذوقه نیست، هیچ چیزی در آنجا پیدا نمی‌شود، مردم هیچ چیز ندارند. اهریجک از اینها ته تنها هیچ اثری دیده می‌شود، بلکه درست برعکس است! واقعیت این است که ما می‌بینیم در برخی مطبوعات ایران هم که یک دوره در جو هم آوایی با پاکستان و امپریالیسم آمریکا، موضع صد افغانی — فوق العاده شدید و ضد شوروی داشتند. یواش یواش این موضع گری ملایم تر شده و در روزنامه‌های اسلامی به تدریج ساخت های واضح — بینانه‌تری نسبت به پاکستان و سیاست ارتجاعی اش، نسبت به معر خرابکارانه‌ای که پاکستان به عنوان زاندارم منطقه به نفع آمریکا می‌خواهد ایفا کند پدید می‌آید. مثلا دو سه روز پیش حتی در روزنامه جمهوری اسلامی این خبر از یک روزنامه پاکستانی نقل شده بود که سیاست آمریکا در ایران و پاکستان یکی است، آمریکا دشمن شماره یک تمام خلفهای این منطقه است و تحریکات آمریکا را که در این منطقه علیه ایران و افغانستان به شکل مشابهی است، نباید از نظر دور داشت یعنی این خبر درست در آن جهت بود که ما مسئله — افغانستان را مطرح می‌کنیم. آیا اینکه ما می‌بینیم که محافظی از نیروهای انقلابی مذهبی ایران در مورد ماهیت گروه‌های افغانی که در ایران و به ویژه در افغانستان عمل می‌کنند، به شناخت های دقیق تاریخی رسیده‌اند، حتی بعضی از این سازمانها را منحل کرده‌اند و با سطر دیگری به آنها نگاه می‌کنند، برای اینکه می‌بینند که این افغان‌ها در اینجا درست به نفع امپریالیسم آمریکا دارند در جهت تضعف جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کنند. خوب این خودش نشان — دهنده این هست که در ایران وضع دارد تغییر می‌کند. شناخت نیروهای انقلابی ایران نسبت به امپریالیسم در همه حیات خلقی عمیق تر و درست تر شده است. اگر محتوای روزنامه‌های اسلامی بیست روز اخیر در برخورد با مسئله آمریکا و سیاستش در منطقه، در

برخورد با پاکستان و سیاستش در منطقه، در برخورد با نیروهای انقلابی جهان و سیاستشان در جهان، در برخورد با کشورهای — عربی مقاوم در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم، نظری بیا ندازیم و نوشته‌های آنها را با دو ماه — سه ماه پیش مقایسه کنیم، می‌بینیم تغییرات بسیار عمیقی در آنها پیدا شده و لحن سان تغییر کرده است یعنی این لحن نسبت به امپریالیسم شدیدتر، قاطع تر، با شناخت درست تر، دقیق تر، و نسبت به نیروهای ضد امپریالیستی جهان، با آنکه هنوز تمسیر کبیته کامل پیدا نکرده، ولی خیلی خفیف تر و متین تر شده است. دوره‌ای که قطب زاده سیاست خارجی ایران را هر روز با تحریکی، با پروکاسیونی علیه شوروی مطرح می‌کرد، بطور مقایسه با حالا تغییر کرده است. امروز ما می‌بینیم که مسائل بطور دیگری مطرح می‌شود، مبارزان دیگر در جبهه اسلامی تشخیص می‌دهند که سیاست قطب زاده سیاستی بوده است به ضرر انقلاب ایران، در جهت تقویت مواضع آمریکا، در جهت منحرف کردن سیاست خارجی ایران از هدف گیری ضد آمریکائی آن و انجام یک شیخ — «خطر کمونیسم» برای ایران. این رسد شناخت صحیح مسائل مناسبات خارجی، مناسبات جهانی انقلاب ایران — به نظر ما یکی از اجزای مثبت عمیق تر شدن انقلاب ایران در چند ماه اخیر است که باید به آن توجه بسیار کرد. اینجا در یکی از سؤال ها آمده است که شما گرایش اخیر به راست را چگونه می‌بینید؟ ما بر عکس به هیچوجه از جهت مجموعه موضع گیری انقلاب ایران، هیچگونه گرایش به راستی نمی‌بینیم، بلکه گرایشی به انقلابی تر و عمیق تر شدن هست که باید به آن توجه داشت و من در سؤال بعد با تفصیل به آن جواب می‌دهم.

پس به این ترتیب؛ امکانات امپریالیسم کمتر از گذشته است، امکانات انقلاب ایران و مقاومت جنبش ضد امپریالیستی ایران به مراتب بیشتر از گذشته است. امپریالیسم هنوز هم کم است به ماجراجویی دست بزند، برای اینکه احساس می‌کند که نقاط ضعف بزرگی در ایران هنوز وجود دارد که این نقاط ضعف بیشتر در رهبری انقلاب ایران هست، در اختلافات شدید در داخل رهبری و در بعضی — نارسایی‌ها در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران در ریز بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای انقلابی ایران هست. این نقاط ضعف اساسی سیاسی هست که وجود دارد و امپریالیسم روی آن حساب می‌کند. به این جهت است که می‌کوشد انواع تحریکات این — نقاط ضعف را تقویت کند تا انقلاب ایران را از درون ناتوان کند و در لحظه معین ضربه خود را وارد بیاورد. این ضربه می‌تواند در تمام ایران باشد، اما احتمال این که ما این ضربه بتواند بطور لحظه‌ای، انقلاب ایران را با شکست روبرو کند و یک جریان ضد — انقلابی را در ایران حاکم کند، بسیار بسیار کم است. ولی اینکه بتواند در نقاط معین، در منطقه‌های معین نیروهای ارتجاعی را مستقر بکند، این امکان راناسیستی از نظر دور داشت، چگونه میتوان این نقشه را عقیم گذاشت؟ تنها با تجزیه تمام نیروهای ملی و از بین بردن نقاط ضعفی که الان در جنبش انقلابی ایران وجود دارد، میتوان این — نقشه را گذاشت که اصلاحیه مرحله‌ای را در ادوایا یکا اگر هم به مرحله اجرا در آمد، آنرا با شکست مفتضحانه روبرو کرد. وقتی می‌گویم این توان گذاشت که این نقشه به مرحله اجرا در آید، برای آنست که این امکان وجود دارد. اگر امروز این اختلافاتی که بر سر زمین دولت در رهبری وجود دارد، این تجزیه نیروهای انقلابی به نیرو — های افراطی اسلامی و نیروهای چپ، این ضربه وارد آوردن به بخشی از نیروهای هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی، این محدود کردن — آنها از طریق انحصار طلبی های افراطی مذهبی های راست و میدان دادن به آن «ملاهای» که امام امروز گفت، بعضی از آنها درخور آتش هستند که به جهنم بروند، این میدان دادن به تحریکات آنها

* «در صورت جنگ داخلی از نیروهای ضد آن آملد».

* «اکثریت امپریالیسم برای حفظ دستاورد آماده مبارزه تا هستند».

* «در صورت قوای خودمان در تمام خلق در این شرکت خواهیم».

* «به خلق ای باید خیلی اعتما».

* «این شور مردم هست، آنقا را هرگز به یک انقلاب و علیه نمی‌کنم».

* «پاسداران ارضی و برای می‌دهند».

علیه سروهای سر می و حا از بین ببریم و نیروهای در رهبری انقلاب معین بشناسند و اعتقاد پیدا کن توان نیروی داخلی انقلاب است که امپریالیسم دیگر اینقدر از داخل نیرومند را به خطر بندازد و به یک خواهد بود و خیلی کم شای به این جهت است.

همکاری نیروهای هوادار هم معنی که به صورت نفاق ناشی از انحصار طلبی راه تحریکات تمام عناصر امیر گوشه و کنار، با تمام نیروی کردن و غیره هستند، با آنکه در یک جبهه متحد ضد ام با ضعف جهانی که دارد، را نخواهد کرد. ولی اگر چنین ماجراجویی دست بزند وضع جدیدی قرار خواهند ولی به نظر ما در آن مرحل انقلاب ایران آنقدر نیرو و الان آنقدر عمیق شده است موفقیت نسبی هم داشته از ایران یا منطقه‌ای از این می‌کند یا وسیله بمارا وسایل دیگری که دارد، جد نیروهای متجاوز و ارتجاعی ملت ایران پیروز خواهد برسد، شرایط سخت تر خواهد شد، ولی ما نمونه در خیلی از کشورها دیده که ما این حساب را هم باید شرایط بسیار مساعد قرار گر و غرب و در بخشی از شرق ارتجاع و ضد انقلاب هست جبهه وسیع هست، یک است از انقلاب ایران پشت همین اظهارات روزهای گذشته و صدر هیئت ره شنبه و تحلیل‌هایی هم آندری گرومیکو بخش شده نسبت به انقلاب ایران از پشتیبانی می‌کند اجازه نه را درهم بشکند. این خیل دنیا دیده‌ایم و لذا می‌داز عظیمی به انقلاب ایران می‌تا در ماجراهایی که می‌خوا اگر هم امپریالیسم جرات عین حال که فکری کنیم مکر

مشکل مسکن، مشکل اکثریت قاطع زحمتکشان

کروه ارجحیت شهری، غلبت ناهنجاری بود در آمد و تعدد افراد خانواده، اکثراً فاقد نقدینة همدست و از طرفی دریافت وام ناتوجه به شرایط مشکل و دست و پاگیر آن کار بسیار دشواری است. موانع اعتباری مالی و بانکی باید با شرایطی سهل و قابل قبول وام با بهره کم و در بلندمدت و بصورت مبالغی کمکی، در اختیار متقاضیان قرار دهند تا از این طریق کارگران و زحمتکشان و اقشاریانی کارمندان قادر به تهیه و اجرای شرایط لازم گردند. شرایط اعلام شده متأسفانه فقط میتواند برای قشر مرفه جمعیت شهری مفید افتد. جای تأسف است که باید تأکید کرد در محور اتخاذ تصمیمات، تاکنون زحمتکشان شهری که خودحامل انقلاب شگوهند ما بودند، حاشی فراخور شان خویش نداشته‌اند. درحالی‌که رهبران انقلاب باز هم در تأیید و تأکید حق کوخ نشینان و زاغه‌نشینان به بهره‌گیری از انقلاب و دستاوردهای آن در سخنان تاریخی خویش خطاب به نخست وزیر و وزراء گفتند: «حکومت باید مستضعفین را حمایت کند و بی‌تسر توجسان به آنها باشد».

اخیراً بر اساس تصمیمی که برای رفع کمبود مسکن برای کارگران اتخاذ شده است، مبلغ ۵ میلیارد هفتصد و شصت و سه تومان برای ساختمان واحد های مسکونی ملکی و خانه‌سازمانی و همچنین وام به شرکت‌های تعاونی مسکن کارگری برای تهیه مسکن اختصاص داده شده است. مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی ضمن مذاکراتی با وزارت مسکن و شهرسازی، بانک رفاه کارگران، بانک مسکن و وزارت کشاورزی و عمران روستایی مبلغ دویست و هفتصد میلیارد تومان برای ایجاد خانه‌های سازمانی در حوازی کارخانه ها و واحدهای ملکی انفرادی اختصاص داده‌اند. (اطلاعات ۲۲ مردادماه ۵۹) «همچنین بر اساس مذاکراتی که بعمل آمده مبلغ ۳ میلیارد تومان دیگر نیز از سوی بانک رفاه کارگران برای واحدهای انفرادی تأمین اعتبار گردید». (همانجا)

اتخاذ یک حسن تصمیمی بدون سگ مسبت است بر اینکه از راههای مقابله با مشکل جانفروسی مسکن و بی‌تسرکوبی نسبتاً صدانقلاب است. ایجاد واحدهای مسکونی به کمک تعاونی‌های مسکن میتواند جوابگوی کمبودها و نارسائی‌هایی بود که در این زمینه وجود دارد. بجاست مقامات دولتی مسئول لااقل در این عرصه سرمایه‌گذاری‌های وسیعی برای ایجاد سهرک‌های سازمانی در حوازی واحدهای تولیدی انجام دهند. براساختن خانه های سازمانی مقرون به صرفه است و علاوه بر صرف وقت و هزینه رمت و آمد کارگران و در مجموع در وقت آزاد کارگران تأثیری مست خواهد داشت. در کنار این سهرک‌ها و یا خانه‌های سازمانی صرفنظر از ایجاد فرسایش‌های تعاونی مصرف، باید به ایجاد مراکز فرهنگی و هنری و تفریحات سالم دست زد. همچنین ضروریست اداره این سرکها و یا خانه‌های سازمانی (واگذاری و یا تخلیف) بدست خود کارگران از طریق شوراهای محلی سپرده شود و سندیکاها در ساختمان و توزیع و اولویت تدارک خدمات نقش داشته باشند.

حل نهائی مشکل مفضل مسکن در ایران باتوجه به نیازهای سدیدگی که در سطح شهر روستا دیده‌میشود در یک روند درازمدت عملی است. وظیفه دولت آینده ایران برای حل این معضل و مشکلات دیگر اقتصادی و اجتماعی بسیار سنگین است. منتهی با تکیه به دستاوردهای انقلاب و برنشالوده حکومت متعلق به مستضعفین و مدافع حقوق آنها برطبق برنامه‌های علمی و واقع بینانه با تکیه بر ساعی همه نیروهای راستین انقلابی این معضل سیز حل سندی

زحمتکشان باسد و حنگال سرمایه‌داران عاشرکارگواه کسد داده شود. اکنون ععدار یکسال و نیم از پیروزی انقلاب صدها ساختمان آسمانخراش و ده‌ها هزار واحد مسکونی متعلق به سرمایه‌داران فراری را میبینیم که همچنان بی استفاده در گوشه و کنار سهرها شده است و تعداد قابل ملاحظه‌ای ساختمانهای نیمه‌تمام که در معرض استتلاک بیخبرس و دستخوش باسد و باران، در اطراف شهرها بویژه تهران افتاده‌اند. درست در زمانی که کمبود مسکن، زندگی زحمتکشان را تحت الشعاع قرار میدهد، رقم قابل توجهی از ساختمانهای اتمام یافته خالی میماند و صاحبان آن در واقع به احتکارخانه دست می‌زنند یا خانه‌های بیشمار تمام شده به مردم دهی کچی می‌کنند. نامه مردم در سلسله رپرتاژهایی که پرامون مسئله مسکن با رقم و عدد، عکس و آمار چاپ کرد خوانندگان خود را دقیقاً در جریان واقعات وضع و حذت مسئله قرار داده است.

طبیعی است عدم تحول کیفی در زندگی زحمتکشان وجود زاغها و حلی آبادها بعد از یکسال و نیم که از انقلاب میگذرد برای آن دسنه از زحمتکشان که مستقیماً و بی‌تسر زیر فشار معضلات موروئی از زمان شاه سابق قرار دارند قابل توجیه نیست. کوخ نشینان که انقلاب را بحق از آن خود میدانند انتظار دارند که مسئله مسکن یکی از دردتاک ترین و مرم ترین مسائل زندگی آنان در برپروئی تصمیمات دولت انقلاب، طبق برنامه و منظم، حل شود.

برخی از تصمیماتی که تاکنون برای حل مشکل مسکن اتخاذ شده است، جوابگوی نیازهای زحمتکشان کشورما در بعد وسیع این معضل نیست. این تصمیمات اغلب ناقص، یابرد محدود، کم دامنه، کم تأثیر و فاقد سالدوهای اساسی برای حفظ و حراست مافع زحمتکشان است. زیرا که هنوز در روح و نایسته انقلاب نیست و نشانی از تدابیر جدی حکومت برای مستضعفان را در خود ندارد.

مطابق اطلاع آقای مهندس شادرح سربست دفتر معاملات مسکن، تصمیماتی برای رسیدگی به وضع ساختمانهای مسکونی و تعیین شرایط خرید و فروش و اجاره واحدهای مسکونی اتخاذ شده است. متقاضیان خرید و اجاره واحدهای مسکونی باید حاز شرطی باشند که از جمله آنها «اجاره‌نامه رسمی محل سکونت فعلی» است. بنوسته «جراید «سرایط خریداری و اجاره، واحد مسکونی از طرف متقاضی (مسئله وام و نقدینگی) فرم متقاضی بدون اجاره نامه رسمی محل سکونت فعلی تقاضاکننده قابل پذیرش نخواهد بود». (اطلاعات ۶ مردادماه ۵۹) بدون شک اجرای چنین شرطی برای متقاضیان زحمتکشان کار آسانی نیست. رپرتاژ کارگران وزحمتکشان شهر تهران در جنوب شهر ویا محلات عقب‌مانده شهرها زندگی می‌کنند که بطور کلی در محل سکونت فعلی آنها انعقاد قرارداد و یا اجاره نامه رسمی متداول نیست. از سوی دیگر تغییر محل زندگی در محلات عقب‌مانده و فقیرنشین سهر تهران بسیار متداول و از اینرو صفت خانه بدوسی از ویژگی های زندگی حقیر زحمتکشان است که خود بخود تهیه حنی اوراقی را غیر ممکن میسازد.

دوم میزان سیش پرداخت یا نقدینگی است که رقم بیش پرداخت و در صحتش امتیاز بیشتری محسوب خواهد شد. با این توجه که رقم پیش پرداخت متناسب با خواست متقاضی ارزیابی میشود در این قسمت داست عاظمه بیشتر و درآمد کمتر، امتیاز مثبت دارد. (اطلاعات همانجا)

واقعت زندگی زحمتکشان نشان میدهد که این

محصل مسکن، یکی از معضلاتی است که در سده شاه سابق نوبیا نگر زحمتکشان کشور ما ساخته است. یکی از علل پیدایش این معضل در سباصت صدملی شاه سابق در سباصت، که بر سالدوده آن، بحسن فابل ملاحظه‌ای از زحمتکشان روستائی از زمین‌ووساتل تولید حدا شدند و به سهرها سرائ حستجوی کارروئی آوردند و بدین ترتیب جمعیت مازاد شهری را تشکیل دادند. با رشد جمعیت شهری، بویژه در شهرهای بزرگ، سرمایه‌داران بحش تولید مصالح و کالاهای ساختمانی و بحش تولید ساختمان‌بظور قابل سوچی رشد کردند. رژیم صفوی پهلوی نیز «حل مسئله مسکن» را بدست این گروه از سرمایه‌داران بزرگ سرزد.

بدین ترتیب، تولید ساختمان همانند بسیاری از رشته‌های تولیدی دیگر مبدل به میدان تاخت و تاز سرمایه‌دارانی شد که سالدوده کارشان را بر اساس «جستجوی حداکثر سود» گذارده بودند. در اواخر دوران حیات ننگین رژیم پهلوی سرمایه‌داران ساز و بعمود سب بخش قابل توجهی درآمد صدملی را بحسود اختصاص دادند و جیب خود را آکنده از سودهای کلان کردند. بدیهی است که مشکل مسکن در آن شرایط و ناتوجه به حصلت صدمردمی و صدملی رژیم شاه مخلوع و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، و انست به نفع توده‌های میلیونی زحمتکشان سهر و روستا حل شود.

خریداران خانه‌ها و آمارتانهائی که هر روز مانند قارچ در گوشه و کنار شمال سهر میروشد بظور کلی از اقتسار متوسط کارمندان مرفه یا سیمه مرفه تشکیل میگرددید که با دریافت وام‌های بانکی با بهره‌های ریاد سالیان دراز اقتصاد خانواده خود را وابسته به بانک‌ها و سیستم جبا و لگزان سرمایه‌داری وابسته ایران میگرددند. ولی مشکل مسکن برای زحمتکشان سهر و مهاجران روستائی لا ینحل باقی ماند. بحش فابل ملاحظه‌ای از مهاجران شاغل و یا نیمه شاغل در خانه‌های محروبه جنوب سهر تهران اسکان یافتند و بحش عظمی از آسپادنیای باورنکردنی حصیر آباد و حلی آبادها را بوجود آوردند. راغسینسی و حاسه‌نشینانی در این دوران سیه مظهر دروازه‌های تمدن بزرگ حفظ شد و گسترش یافت و در کنار آن کاخها و ساختمانهای سرفلک کسیده، به سابه شاخص‌های رسد انگل‌وار سرمایه‌داری، روئید.

شرایط زندگی در حلی آبادها و حوب سهر تهران، بیگانه با منزلت انسانی، نکل زندگی بی‌رونی زحمتکشان را نمودار میساخت. محلات فقیرنشین شهرها و حلی آبادها بزودی مبدل به سدانهائی برای بروز عواقب تضادهای طبقاتی و اجتماعی و رشد ناراضی زحمتکشان گردید.

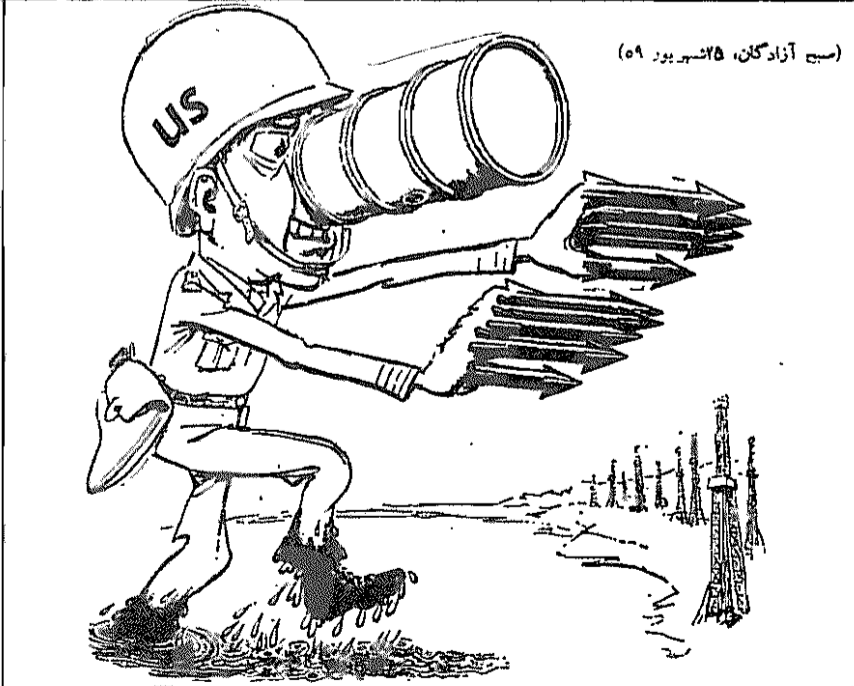
ععداز پیروزی انقلاب، زحمتکشان کشورمان جنم امید خود را به حل مسکلاتی دوخته بودند که عامل حرکت انقلابی آنان برای از گونی سیستم استثمارگران و خانه‌سازان امپریالیسم امریکا و عمال داخلی، رژیم شاه مخلوع و سرمایه‌داران وابسته بود. بس از پیروزی انقلاب، حکومت دولت موقت با سیاست‌های غیرانقلابی و روش «گام به گام خود» حل مشکلات جامعه ما را در شیوه‌های لیبرال‌منشانه حسنومیکرد و درسی سالدوهای به کلی تازه‌ای که منکی به مافع مستضعفان باسد نبود. مشکل مسکن در دوران حکومت دولت گام به گام همانند بسیاری از مسکلات دیگر بعلت عدم پاسخ قاطع به سئوال حیاتی «که برکه» حل نشده باقی ماند. صرفنظر از راه‌های اقدامات (و اغلب صدونقیص) ناسی ارتدابیر مراکز مختلف تصمیم‌گیری، برای رفع کمبود مسکن در این مدب یکسال و نسی که از انقلاب میگذرد، کام قابل توجهی برای حل این معضل برداشته شده است. در حالیکه صدانقلاب حای مهمی را در سباصت تخریبی خود برای این مسئله قائل بوده است. به دنبال عدم سیکیری دولتمردان به حل این مشکل، میمت و اجاره‌خانه‌ها و آمارتانه‌ها با رسد نرخ تورم با سرعت فابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد و فشار بیشتری به اقتصاد خانواده‌های زحمتکشان و کم درآمد وارد میشود.

سرای حل حدی و قاطع مشکل مسکن با دازرسنه و بطور قاطع به سئوال «که برکه» باسخی که بسود

خطر تجاوز...

بقیه از صفحه ۵
نواد به تدریج از عدم رضایت نسبت به وضع موجود به بی‌طرفی و یا به احتمال بخشی از توده‌ها به ذخیره ضد انقلاب تبدیل‌سود. ولی ما انطوری که می‌بینیم الان در مجموعه رهبری اسلاب به این جهت مسئله توجهنست که باید هر حرمود ترا اقدامات حدی صورت بگیرد. شما در نامه «مردم امروز» اظهارات استناد از خوزستان آقای غرضی را خوانده‌ام که می‌گوید مبارزه علیه امپریالیسم و ضد انقلاب فقط از راه تسدید صمت گیری ضد امپریالیستی و تسدید صمت گیری خلقی انقلاب ممکن است. باید به نفع توده‌های مردم اقدامات حدی انجام بگیرد و تعداد کسانی که این‌طور به انقلاب برخورد می‌کنند، به تدریج دارد زیاد می‌سود. یا ما در مجلس می‌بینیم که این صداها خیلی زیاد شنیده می‌سود. در روزنامه‌ها هم همین‌طور. در یکی از روزنامه‌های امروز صبح بود که سیه‌سایه‌سداران در مورد یک منطقه یا در مجموع کشور - از مسئله اصلاحات ارضی و مبارزه با مفودالیم سبستانی خیلی حدی کرده بود، یعنی این احساس در نیروهای انقلابی دیگر، غیر از ما توده‌های ما هم دارد قوی می‌سود که انقلاب را با سستی عمیق کرد، و با عمق انقلاب می‌سودا قلاب را نیرومند کرد. با تعمیق انقلاب، با عمیق‌تر کردنش می‌سود انقلاب را قوی تر کرد.

این که امام خمینی باز هفته پیش دو مرتبه گفت که، بار بار - طاغوتی ما باید بازار اسلامی بسود، یعنی بازار خلقی بسود، بازار مردمی بسود، این نشانه آنست که این گرایش مبارزه با سرمایه داری غارتگر، دارد تبدیل می‌سود به یک گرایش حدی جمهوری اسلامی و ما باید با انشاکری، با توضیح به مردم، با تجهیز مردم برای مبارزه در این راه، و این عوامل و این گرایش را تقویت کنیم. به این ترتیب این بدبینی که این دوست سئوال کننده دارد



(سب آزادگان، ۲۵ شهریور ۵۹)

باز هم هشدار در مورد تعطیل مدارس

اخبار رسیده تأکید بر این دارد که عوامل ضد انقلاب و کسانی که زمینه یک کودتای آمریکایی را در ایران فراهم می‌سازند، کوشش گسترده‌ای را برای تعطیل کساندن مدارس در آغاز سال تحصیلی جدید آغاز کرده‌اند. این اخبار موبدهندار حجت الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران مبنی بر توطئه ضد انقلاب برای تعطیل مدارس، و تذکرات مکرر حزب توده ایران در همین زمینه است. بر اساس اطلاعات رسیده، قرار است تعطیلی مدارس زیر عنوان مخالفت با حجاب و عدم بازگشایی دانشگاه‌ها صورت گیرد. در همین زمینه گروهک‌های مائوئیستی - آمریکایی و عناصر - چپ نما که قصد دارند از میزان دخالت آن استفاده کنند، از هم اکنون تبلیغات گسترده‌ای را در زمینه تعطیل مدارس آغاز کرده‌اند. ما ضمن دادن هشدار مجدد، از مسئولین امر می‌خواهیم که قاطعانه با این توطئه جدید ضد انقلاب مبارزه کنند و آنچنان که حجت الاسلام خامنه‌ای گفته است، اجازه ندهند که امر سوادآموزی متوقف گردد.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

که وضع سبلی در انتظار ما هست، با این پدیده‌ها من این بدبینی را ندارم، به علت اینکه همان‌طور که گفتیم در نیروهای انقلابی - ایران، در شناخت اقداماتی که باید برای تقویت نیروهای انقلابی انجام گیرد، وضعی که در سبلی بود، نیست. ومن معتقد نیستم که نیروهای پشتیبان انقلاب منفرد شده‌اند. تظاهرات تهران در روز قدس نشاندهنده این هست که یک چنین ارزیابی، نادرست است و غیر واقعی.

اعلامیه سازمان جوانان توده ایران

با هشیاری و آمادگی، توطئه ضدانقلاب برای ایجاد تشنج و ناآرامی را خنثی کنیم!

با شروع سال تحصیلی، امپریالیسم و ضدانقلاب فعالیت سترده‌ای را تدارک دیده‌اند و قصد آن دارند که با استفاده مسئله تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی، موج جدید درگیری، سنج و ناآرامی را علیه انقلاب و جمهوری نوین اسلامی ایران عار کنند.

از جمله آیاتالله منتظری - بیان داشته‌اند، تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی دارای عواقب و پیامدهای خطرناکی برای جمهوری نوین اسلامی ایران است:

همه دانشگاهیان و دانشجویان صورت گیرد و بقول دکترسروش (سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی)، این امر «هیچگاه با تصمیم گیری یک دسته... با یک چرخش شدید» که همه چیز را یک باره و یک شبه عوض کند، نمی‌تواند تحقق یابد.

با بازگشتی دانشگاهها و مدارس عالی می‌توان و باید از نیروی پرشور همه دانشجویان، استادان و کارمندان متعدد و انقلابی در این راه بهره جست، با شرکت فعال و خلاق آنان نظام آموزش عالی کشور را بنفع انقلاب و نیازهای جمهوری اسلامی تحول بخشید و در عین حال زمینه‌های فعالیت ضدانقلاب را از میان برد.

دانشگاهیان گرامی!

دانشجویان و دبیلیم‌های عزیز! امپریالیسم و عمال داخلی آن، گروهکهای ضدانقلابی راست و چپ‌نما، برای اجرای نقشه‌های خرابکارانه خویش، می‌کوشند تا از خواستهای بحق شما سوء استفاده کنند. باید توجه داشت که امروزه، انقلاب شکوهمند ما، که با خون هزاران جوان - و از جمله دانشگاهیان و دانشجویان انقلابی - به پیروزی رسیده، مرحله بسیار حساس و سرنوشت‌ساز از تکامل خویش را می‌گذراند.

سازمان جوانان توده ایران، از همه نیروهای مترقی دانشجویی، انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان، جنبش دانشجویان مسلمان، سازمان دانشجویان پیشگام و انجمن دانشجویان مسلمان می‌خواهد که در آستانه سال تحصیلی، با هشیاری انقلابی، با بسیج نیروهای خود و با تحکیم اتحاد و همبستگی خویش، در حفظ نظم و آرامش انقلابی بکوشند و توطئه‌ها و تحریکات ضدانقلاب را افضاء و خنثی کنند.

سازمان جوانان توده ایران بدین منظور، همه اعضاء و هواداران خود را به آمادگی و هشیاری کامل فرامی‌خواند و از آنان می‌طلبد که در دوش‌بندوش همه نیروهای متعهد و مومن به انقلاب، در امر خنثی‌سازی توطئه ایجاد تشنج و ناآرامی، فعالانه شرکت جویند.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۶/۲۷

سازمان جوانان توده ایران متناوبه سازمانی متعدد و مسئول، که دفاع از انقلاب شکوهمند مردم ایران و دستاوردهای آن را سرلوحه عمل خود قرار داده است، در قبال این وضع نگرانی - آور، به مسئولین امر، دانشگاهیان و دانشجویان متعهد و انقلابی هشدار می‌دهد.

مسئولین محترم!

در شرایطی که ضدانقلاب می‌کوشد تا از ناراضیانی صدها هزار دانشجوی، استاد، کارمند و دبیلیم پست کنکور و خانواده‌های آنان سوء استفاده کند، توجه جدی به سرنوشت نظام آموزش عالی یک وظیفه مرمی انقلابی است. باید هرچه سریعتر در جهت بازگشتی دانشگاهها و مدارس عالی تدابیر جدی و اصولی اتخاذ کرد.

طبیعی است که ما بپیچروی خواهان ادامه کار دانشگاهها و مدارس عالی به‌شیوه گذشته نیستیم. سازمان ما از نخستین روزهای پس از انقلاب نظر خود را در قبال انقلاب فرهنگی بیان داشت و اعلام کرد که انجام یک تحول بنیادی در نظام آموزشی و ریشه‌کن‌ساختن نظام نواستعماری آموزشی، نیاز مبرم انقلاب است. ما در هفته‌نامه «آرمان» - شماره ۲، مورخه ۲۳/۱۲/۵۷ - ضرورت ایجاد یک نظام نوین آموزشی، نظام ملی، دمکراتیک و مترقی، را اعلام داشتیم و پس از آن نیز به مناسبت‌های گوناگون بر ضرورت انجام این تحول تاکید ورزیدیم.

ولی طبیعی است که ایجاد چنین نظامی باید یا شرکت‌فعال

مسلم است که این گروهک‌های ضدانقلابی برای سرنوشت ده‌ها هزار دانشگاهی و دبیلیم دل‌نوزانیده‌اند. هدف روشن است: ایجاد هرج و مرج و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی و ناب شکوهمند مردم ایران به پیمان و زیر شعار «بازگشتی دانشگاهها». توطئه‌ای که از هم‌اکنون نوید اجرایی آن از دیوهای «صدای آمریکا» و «پختیار» بکوش می‌رسد.

متأسفانه برخی نیروهای انقلابی نیز، آن‌چنان که از شواهد قرائن برمی‌آید، از هم‌اکنون در دام این توطئه افتاده‌اند و شمارهای چپ‌پروانه، در شرایطی که با تشراف خود آنان توطئه ن براندازنده امپریالیسم آمریکا به خطر جدی برای انقلاب ل شده، بدین مسئله دامن می‌زنند.

آنچه مسلم است و تجربه قریب به ۲ سال حیات جمهوری لایمی آنرا بی‌مان نشان داده، امپریالیسم و ضدانقلاب، از هر انهای برای خرابکاری و تشنج آفرینی بهره می‌جوید و تاکنون ترین زمینه فعالیت‌های مخرب آنان، تسامح‌ها، تعلل‌ها و زیاده‌بهای مسئولین امر، عدم توجه آنان به نیازهای انقلاب و است‌های مردم و زحمتکشان بوده است. ضدانقلاب تنها و با بر بستر این زمینه است که می‌تواند چوب لای چرخ انقلاب د روند پرشتاب آنرا کند سازد.

در مورد مسئله دانشگاهها نیز چنین است. اکنون ماهها تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی و تشکیل «شورای انقلاب هنکی» می‌گذرد و متأسفانه هنوز سرنوشت نظام آموزش عالی ملوم و مبهم است و این امر نگرانی نیروهای انقلابی را تکلیخته است. بهمانگونه که شخصیت‌ها و سازمانهای انقلابی -

بلاقات دولت موقت بابر ژینسکی بدون اطلاع امام خمینی و شورای انقلاب بود

بقیه از صفحه ۴ سخنان بعدی حجت‌الاسلام مهدی کروبی، نماینده الیگودرز بود. او گفت: «جریان کلی سیاست خارجی آقایان، نه تنها مسئله آمریکا، اصلاً موضع گیریشان موضع گیری بسیار سازشکارانه غلطی بود. از آنجمله در داستانی هم که خودشان اشاره کردند، مسئله مصر که پیش آمد، وزیر امور خارجه بود ایشان و قطع ارتباط نکرد، که ایشان باید قطع ارتباط کند، تا اینکه امام نامه نوشتند. بعد از اینکه امام نامه نوشتند، ایشان تلفن کرده بود به رادیو و تلویزیون. که نامه را نخوانید، همین آقای یزدی تلفن کرده بود نامه خوانده نشود. اینهم مسئله و یک جمله هم راجع به امام. موضع امام معلوم نبود نسبت به آمریکا؟ موضع امام سازشکارانه بود در حالیکه امام سال قبل فرموده بود که الهی قطع شود رابطه ما با آمریکا. رابطه ما با آمریکا رابطه نظام با مظلوم است. خط مشی امام در تمام سخنان - هایشان روشن بود»

مهندس بازرگان دروغ می‌گوید ۱- اول مقامی یا شخصی که علیه پناه دادن شاه در آمریکا شفاها و کتبا اعتراض کرد و استرداد

شاه را خواست، دولت موقت بود و وزارت آقای دکتر یزدی، پیش از آنکه در هیج راه‌یامانی، در هیچ اعلامیه‌ای، و در هیچ فرمایشی از فرمایشات ایشان در ایران این مسئله مطرح شده باشد.

۴- سیاست خارجی کلی دولت طی ۴ یا ۳ جلسه با حضور وزیر خارجه و پس از آنکه در هیئت وزیران مشروحا مطرح و تدوین شده بود، در شورای انقلاب مطرح شد. ما بودیم که اصرار داشتیم این جلسات طولانی باشد و همه مطالب گفته شود و از جمله روی گزارش اولیه آقای دکتر یزدی تقسیم بندی شده بود: روابط خارجی با ابرقدرت‌ها، روابط خارجی با کشورهای مسلمان، روابط خارجی با کشورهای متعهد و غیره. صورت جلسه موجود است. بعد از آنکه ایشان مختصری بنده توضیحاتی داد، آقایان اعضای شورای انقلاب نظریات و نکاتی بیان نمودند، ولی بیشتر راجع به روابط با کشورهای همجوار و مسلمان بود و آن نیز اصلی روابط با ابرقدرت‌ها، که مبنی بر موازنه منفی و اصرار بر عدم دخالت. این بود هیچ دخالتی به آن داده نشد و تصویب نشد.

اما علاوه بر شورای انقلاب و هیئت وزیران در کلیه مسائل، در رؤس مسائل البته، هیچوقت ما جزئیات مسائل که بعهد دولت گذاشته شده نه با امام و نه با شورای انقلاب، جزئیات را مطرح نمی‌کردیم. ولی رؤس و اساس مسائل (اقتصادی، دولتی، اداری و خارجی) با امام مطرح میشد. آن اندازه که من الان بادم هست، سه بار بخصوص درباره روابط با آمریکا خدمت امام رسیدیم. یک یا

دوبار با وزیر دفاع وقت تیمسار ریاحی بود، گویا از وزیر دیگر هم حضور داشتند. یکی دوبار هم بخصوص با حضور آقای دکتر یزدی درباره روابط با آمریکا و فرمایشی ایشان بیشتر روی این میرفت که ما احتیاجاتی داریم، سفارش لوازم و قطعات یدکی به آمریکا داده‌ایم.

اسلحه‌های ما که چندین میلیارد دلار ارزش دارد و نمی‌توانیم از جای دیگر بیاوریم، احتیاج مستمر به رسیدگی، به تعمیر و تعویض لوازم دارد و یگان‌ها مشخص آنها هستند، چه می‌فرمایند؟ آیا ما بکلی بگذاریم کنار و حتی لوازم یدکی و قطعاتی که قبلاً سفارش داده‌شده و پولش را هم داده‌ایم و آنها شاید از خدا بخواهند که به ما تحویل بدهند، نخواهیم و مطالبه نکنیم؟ ایشان فرمودند: نه، البته فعلاً احتیاج است. این کار را بکنید. اما باید افکار عمومی را هم برای ادانعه روابط در این وضع محدود و فرضی آماده بکنید. من بقید قسم این را می‌گویم. حالا ممکن است بعضی‌ها بگویند نه، امام نفرمودند. دروغ می‌گویند. با حضور وزیر دفاع و دیگران بوده، ایشان این اجازه را، یعنی ما کسب اجازه کرده بودیم، مسائل و مشکلاتی را که سلاح‌های ما دارد و پیش‌بینی این حملات را هم می‌کردیم و این مسائل برای ما مثل روز روشن بود. باهم این مسائل را خدمت ایشان عرض کردیم و ایشان هم»

آقای شرافت نماینده مجلس، در پاسخ سخنان مهندس بازرگان گفت: «فقط یک جمله را می‌گویم بعنوان مسئولیتی که احساس می‌کنم. روز اول یادتان باشد، آقای بازرگان اینجا بود بهمه آقایان گفت: امام به ما اجازه داده بود از وزراء حتی بی‌نماز هم باشد، عیب‌ندارد، حتی در دولت

تقویت و گسترش...

بقیه از صفحه ۹ یالیستی در برابر رژیمهای دست شانده - هوادار امپریالیسم در منطقه است، گواه این مطلب نیز مست که خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسئولان ضمیم کننده این سیاست تاکنون در راستای انقلاب و استحکام مواضع بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نبوده و این سیاست مستلزم یک چرخش بنیادی و بازبینی سولی است. تردیدی نیست که خط مشی سیاست خارجی ایران در روابط دول و مسائل و رویدادهای بین‌المللی از اهرهای مؤثری ست که، چنانچه بر مبنای اصولی واقع‌بینانه و بدور از هرگونه پیش‌داوری و با توجه به محتوا و

اهداف ضدامپریالیستی انقلاب شکوهمند و رهنمودهای سریع رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این مورد، استوار کرده‌اند، می‌تواند در استحکام مبانی انقلاب، حفظ و حراست دستاوردهای آن و مسون داشتن جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌ها و طرحهای متجاوزین امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن در منطقه، موفق و پیروز باشد. لازم به تاکید نیست که قیل از هر چیز منافع انقلاب و مصالح استقلال و امنیت جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند تعیین کننده سمت و دهنده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با همه دول. بویژه کشورهای همجوار و کشورهای منطقه باشد. مرزبندی میان رژیمهای مستقل

های وابسته در منطقه را به پایگاه نظامی و سریل تجاوز مرمور اجرا گذارد و تمام تلاش خود را بکار برده و میرسد که، با تقویت تسلیحاتی و نظامی این کشورها و گسترش روابط و همکاریهای سیاسی و نظامی میان آنها، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین را در حلقه محاصره رژیمهای ضدخلفی و وابسته بخود قرار دهد. فعالیت‌های سیاسی و نظامی و گسترش روابط کشورهای مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، دولت یعنی عراق، عمان، پاکستان، امارات عربی، و تشدید حملات نظامی اسرائیل در جنوب لبنان با هدف سرکوب و نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین، تمرکز و احدیهای نظامی مصر در مرزهای

«پاکسازی» صدام حسین در عراق کماکان ادامه دارد

بنوشته «طریق الشعب»، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق، «پاکسازی»هایی، که پس از کشتار تابستان سال ۱۳۵۸ بدستور صدام - حسین و بوسیله سازمان امنیت و رکن دوم در حزب بعث، عراق آغاز و به قتل دهها کادر رهبری حزب حاکم منجر شد، کماکان ادامه دارد. از جمله کسانی که اخیراً «پاک سازی» شده‌اند و نامشان دهن به دهان میگردد، عبارتند از: محسن شعلان، دبیر کل شرکتهای تعاونی روستایی، قاسم سماوی، عضو «دایره فلسطینی» و مبارزه مسلحانه، در «فرماندهی ملی حزب بعث» و سفیر سابق عراق در لبنان؛ مدلول ناجی، استاندار بصره و سفیر سابق عراق در تونس؛ عبدالحسین رفیعی، سفیر عراق در موریتانی؛ مرتضی سعید عبدالقایی «حدیثی»، عضو «فرماندهی ملی حزب بعث»، وزیر پیشین اقتصاد و امور خارجه و سفیر سابق عراق در مسکو.

توجه!

مقالات زیر، که در هفته پیش در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود: - خط امام... (شماره ۳۳۲). - شیوه‌های عمل امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران (شماره ۳۳۳).

های قبلی هم شرکت داشته باشد عیب ندارد. همین جا گفت. من عین این جمله را از خود امام پرسیدم، امام فرمودند. لفظش اینست: «دروغ می‌گویند، این آقای بازرگان زیاد دروغ می‌گوید، کارش همین است».

حجت‌الاسلام خلیفای سخنران بعدی گفت: «جناب آقای بازرگان که فرمودند که «ما شاه را از آمریکا مطالبه کردیم»، بعد از آن جریان بود که من بعنوان قاضی شرع حکم اعدام شاه، خانواده و آن دارودسته را صادر کردم. و این‌ها، سنای آمریکا و کنگره آمریکا حتی علیه شخص من دستجمعی بیانیه دادند و از این حرف خیلی ناراحت بودند و این آقایان (اشاره به بازرگان) برای لوٹ کردن حرف من، که حتی حاضر نشدند در رسانه‌های گروهی منتشر بشود، دستاویز کردند که شاه را می‌خواهیم مطالبه کنیم و حال آنکه یقین داشتند که آمریکا نه شاه را می‌دهد و نه یک نفر از آن افرادی که فراری بودند... مسئله در اینجا بحث گروگان‌هاست. نباید ما جو این مجلس را عوض کنیم. درباره گروگانها بود و اظهارات و عقاید آقایان نمایندگان. جناب آقای بازرگان رفتند در مسجد نارمک، آنجا نشستند، گفتند «این چی‌چی دانش - جوان خط امام»، این‌ها خط امام نیستند، خط شیطانند. این‌ها الان هم می‌خواهند وضع این مجلس را عوض کنند و من خواهش می‌کنم که اجازه ندهید وضع مجلس عوض بشود»

در اینجا محمدعلی رجایی نخست‌وزیر وارد مجلس شد و جلسه مجلس به لحاظ تدابیر امنیتی بصورت غیرعلنی و رسی ادامه یافت.

کردگی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده وابسته به آن در منطقه قرار دارند، ایجاد هم‌جانبه میان خود را گسترش دهند و از انرا، به خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب و حفظ امنیت و استقلال خود، جبهه متحد ضدامپریالیستی در منطقه را تقویت کنند. منافع انقلاب و مصالح جمهوری اسلامی ایران نیز ایجاد میکند که در شرایط کنونی، گسترش روابط و همکاریهای هم‌جانبه جمهوری اسلامی ایران با کشور - های مستقل ملی و ضدامپریالیستی در منطقه، بعنوان یکی از هدفهای بنیادی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شود و در راه تحقق آن تدابیر مشخص اتخاذ گردد و اقدامات عملی انجام گیرد.

آمریکا شیطان بزرگ...

در آغاز بازگشایی مدارس و در ارتباط با توطئه‌های گوناگونی که برای به‌تعطیل‌کردن مدارس و ایجاد محیطی متشنج چیده شده است، دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی کشور اعلامیه‌ای صادر کرده است. در قسمتی از این اعلامیه آمده است:

«اکنون که جمهوری اسلامی ایران میرود تا آخرین نهادهای خود را کامل کند و هرچه بیشتر استحکام یابد، جهانخواهران بین‌المللی، بر تلاش خود در جهت ضربه زدن به انقلاب افزوده‌اند. آمریکا این شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن با در اختیارداشتن جاسوسان اجبر شده و سیاستمداران حرفه‌ای و جنایت‌پیشه، برنامه شکست انقلاب را تدارک دیده است. او با استفاده از مزدوران سرسپرده خود، در عراق و برخی شیخ‌نشینهای سواحل جنوب، برنامه‌های خود را به اجرا می‌گذارد. کودتای نظامی ترکیه نیز که در پی نظرات بزرگ مسلمانان صورت گرفته است، از جمله این برنامه‌هاست. این نقشه‌ها نیاز به وجود زمینه‌های داخلی دارد. آمریکا سعی می‌کند با وجود آوردن شرایط مساعد در داخل کشور، ضربه‌های خود را فرود آورد. او در این راه از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند. ایجاد جو پراختش و درهم جامعه از بهترین روشهای آمریکاست،

روز یکشنبه ۳۰ شهریور ۵۹، نامه مردم منتشر نمیشود



اجلاس هزاره ابن‌سینا در مسکو

به‌مناسبت هزاره ابن‌سینا، از سوی دانشمندان ۲۱ کشور در مسکو اجلاسی برگزار شد. سخنرانان در این اجلاس اعلام کردند که ابن‌سینا هنوز هم ارزش فرهنگی و علمی خود را حفظ کرده است. این هزاره، در سال کنونی از سوی یونسکو اعلام شده است. به‌همین مناسبت چند کتاب معروف ابن‌سینا در اتحاد شوروی، منتشر شده است.

همچنین در شهرهای بخارا و دوشنبه بناهای یادبود ابن‌سینا برپا گشته است.

رهبران «مبارزان» اثنانی برای گرفتن کمک راهی آمریکا شده‌اند

رهبران باسصلاح مبارزان (!) افغانی، که چندی پیش برای عرض ادرات به ملاقات سادات شتافته بودند، اکنون برای گرفتن کمک راهی آمریکا شده‌اند. گزارش رسانه‌های خبری حاکی از آن است که «سیاح» رهبر باسصلاح اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان برای مذاکره با مقامهای آمریکایی وارد این کشور شده و اکنون در ایالت اورگون بسر می‌برد. این مبارز برجسته (!) امیدوار است بتواند دست کم ده میلیون دلار اسلحه از دوستان آمریکایی دریافت کند.

سیاست امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس خطری است برای خلیج‌های منطقه

وزیر خارجه اتیوپی در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد، سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را در اقیانوس هند و خلیج فارس محکوم کرد و این سیاست را خطری جدی برای خلق‌های منطقه دانست. وی در نامه خود دبیرکل سازمان ملل هشدار داد که پایتگاه‌های جدید آمریکا در خاک سومالی حلقه دیگری از زنجیره پایتگاههای امپریالیسم آمریکا در کشورهای خارجی است.

وزیر خارجه اتیوپی در نامه خود یادآور شده است که جامعه جهانی نمی‌تواند در مقابل این اقدامات دست روی دست بگذارد و باید برای امداد کردن آمریکا به برچیدن پایتگاههای خود فشار وارد سازد. ببرک کارمل: قطع مداخله خارجی در افغانستان، خروج پیدرتنگ نیروهای محدود اتحاد شوروی در افغانستان را در پی خواهد داشت

ببرک کارمل رهبر افغانستان، در پیامی برای کنفرانس بین‌الجهالی، که در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان جریان دارد، بار دیگر تاکید کرد که به محض آنکه تجاوز خارجی علیه استقلال و تمامیت ارضی افغانستان پایان یابد، نیروهای محدود اتحاد شوروی از این کشور خارج خواهند شد.

ببرک کارمل در این پیام تاکید کرد که ورود نیروهای محدود اتحاد شوروی به افغانستان در چارچوب موافقت‌نامه‌های قانونی دو کشور صورت گرفته و این نیروها برای رفع تجاوز خارجی علیه تمامیت افغانستان وارد این کشور شده‌اند و قطع مداخله خارجی، خروج پیدرتنگ این نیروها را در پی خواهد داشت.

مذاکرات کاسترو و آندره گرومیکو

فیدل کاسترو رهبر کوبا و آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی در هارانا مذاکره کردند. در جریان این مذاکرات، دو کشور حمایت قاطع خود را از خلق‌هایی که برای آزادی و استقلال مبارزه می‌کنند، اعلام داشتند.

اتحاد شوروی ضمن محکوم کردن محاصره اقتصادی کوبا به وسیله آمریکا، اعلام کرد که از خواست برحق مردم کوبا در مورد برچیده شدن پایگاه گوانتانامو حمایت می‌کند.

فیدل کاسترو و آندره گرومیکو ضمن حمایت از تلاش برای خلع سلاح و حل مسالمت‌آمیز اختلافات، به نقش جنبش عدم تعهد در مبارزه با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع اشاره کردند.

گس‌هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا: حمایت سالوسانه آمریکا از کارگران گدانسک در لهستان، تلاش برای بازگرداندن این کشور به نظام سرمایه‌داری است

کس هال، دبیرکل حزب کمونیست آمریکا، که از سوی این حزب نامزد ریاست جمهوری است، در يك اجتماع انتخاباتی، باسصلاح حمایت محافل آمریکا را از کارگران شهر گدانسک لهستان ریاکارانه و بیشرمانه خواند.

کس هال اضافه کرد: «در حالی که کارگران جوامع سرمایه‌داری، از جمله کارگران آمریکایی، با فقر و تورم و بیکاری فزاینده روبرو هستند و مشتی سرمایه‌دار روز بروز فربه‌تر می‌شوند، این باسصلاح حمایت از کارگران گدانسک چیزی جز ریاکاری و سالوسی نیست. این حمایت می‌تواند به‌معنی تلاش برای بازگرداندن لهستان به نظام سرمایه‌داری، یعنی نظام فقر، بیکاری و خانه‌خوابی برای زحمتکشان باشد. کارگران لهستان که مزایای والای نظام سوسیالیستی را با پوست و گوشت خود احساس می‌کنند، به این «حمایت»‌ها پوزخند می‌زنند.»

روابط اقتصادی برادرانه کشورهای سوسیالیستی

به موجب آمار منتشره از سوی شورای همیاری اقتصادی، صادرات نفت اتحاد شوروی به کشورهای سوسیالیستی، در پنج سال گذشته، پنجاه درصد افزایش یافته است. اتحاد شوروی نفت خود را به پهای حدود شصت درصد بازار جهانی به کشورهای سوسیالیستی برادر صادر می‌کند.

شوخی نیست...

يك «قهرمان» تازه ضد توده‌ای!

یکی از «قهرمان»های تازه از راه رسیده ضد توده‌ای می‌کوشد تا با انواع دشمنان و اتهام‌ها به حزب توده ایران، «میزان» وابستگی خود را به رژیم شاهانه پنهان کند. آشنائی با این جناب پر بدک نیست، چون نشان می‌دهد که گروهی از ضدتوده‌های حرفه‌ای از چه قماشند.

این «قهرمان» تازه به‌میدان آمده، از «درخشان‌ترین» چهره‌های مطبوعات ایران تشریف دارند که همه عمر خود را صرف مبارزه با «وابستگی» کرده‌اند. آغاز این مبارزه از ارگان حزب شاه - ساواک - سیا ساخته ایران‌نویس آغاز شد. همانطور که میدانید، روزنامه حزب ایران نوین کاملاً «مستقل» بود و از «منافع مردم ایران» دفاع می‌کرد. چندی بعد، وقتی شاه معلون همه مردم را چنان متحد دید که نیازی به احزاب مختلف نبود (!) نویسندگان این روزنامه تحت رهبری برخی‌ها، که اسناد غیروابستگی‌شان در لانه جاسوسی بدست آمد، مبارزه را شدت بخشیدند و روزنامه «ضد امپریالیستی» «درست‌خیز» را علم کردند. جناب «قهرمان» ما هم در این سنگر به «مبارزه» ادامه داد و معاون سرویس سیاسی شد. ایشان از آنجا که تبحر زیادی در مبارزه با «وابستگی» و «روزی شاه» داشتند، با حفظ سمت، خبرنگار مخصوص هویدا، بعد خبرنگار مخصوص آموزگار و بالاخره هم خبرنگار مخصوص شریف امامی بودند. بعد از آن وقت خصلت «ضد امپریالیستی» این «قهرمان» بزرگ، ایشان را خبرنگار مخصوص مجلس شاه هم کردند، یعنی جناب ایشان یار غار شریف امامی و عبدالله ریاضی معدوم بودند.

بعد از پیروزی انقلاب، سروکله جناب «مبارز» در روزنامه اطلاعات پیدا شد، تا اینکه بعلت همان سوابق «درخشان» پاکسازی شد! اما از آنجا که این قبیل «مبارزان» هرچور شده باید به مبارزه خود ادامه دهند، این «قهرمان» ارزنده ما هم به روزنامه ضد امپریالیستی (!) «میزان» تشریف بردند و اولین مقاله انقلابی ایشان هم علیه حزب توده ایران بود. «قهرمان» فقط دو اشکال کوچک در کارش هست: یکی اینکه با همان سبک راست‌خیز به حزب توده ایران حمله می‌کند. دیگر اینکه سر-نوشت راست‌خیز و گردانندگان آن را از یاد برده است.

حجت الاسلام

خانم‌های ...

بقیه از صفحه ۱
را بدست حکام پستی پست و مزدور عراق انجام میدهد. البته نیروهای اسلامی، این زمین‌دگان دلیر و فداکار پاسخ آنها را خواهند داد و سدام‌حسین و رژیم خائن عراق در این آزمایش خسارت بزرگی خواهند برد... وی در قسمتی دیگر از سخنانش ضمن اشاره به توطئه‌های که علیه پاسداران انقلاب اجرا می‌شود و شعار «مرگ بر پاسدار» که از سوی عوامل ضدانقلاب تبلیغ می‌شود گفت: «روی پاسداران مخصوصاً دشمن حساسیت زیادی دارد... آیا این شعار «مرگ بر پاسدار» آمریکایی نیست؟ امروز پاسداران و نظامیان، آنها را که دارند اینطور فداکارانه می‌چنگند، بزرگترین دشمنان آمریکا در این منطقه‌اند. هرکس علیه اینها هرگونه حرکتی عملی و اظهاری بکند، به سود آمریکا کار کرده. پاسداران را در میان مردم با تبلیغات گوناگون سعی می‌کنند بدنام کنند... نباید کار زشت هر قشری، بعضی از افراد هر قشری به حساب نیکان و پاکان آن‌قدر گذاشته شود. البته عناصری در

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم پسرانید. در شرایط حساس کنونی این يك وظیفه مبرم انقلابی است،

کوشه و کنار هستند. در ارتش در پاسداران، در همه قشرها، در میان روحانیت، عناصری هست که اینها از نام و عنوان ایسر نهادها استفاده می‌کنند و بسا عمل می‌کنند. این يك حکم کلمه نمیتواند باشد. وی در ادامه سخنانش ضمن اشاره به توطئه به تعطیلی و تشنگی کنشگران مدارس که از سوی مزدوران و عوامل امپریالیسم آمریکا عمل می‌شود گفت: «من هشدار می‌دهم به همه، اولاً هشدار می‌دهم به برادران عزیزمان، مسئولان محسوری کشور، رئیس جمهور نخست‌وزیر، رئیس قوه مقننه رئیس قوه قضائیه. این برادران عزیز باید توجه بکنند که يك توطئه‌های دشمن برای ایجاد تظاهرات، دوستکی و بالمال ؛ تعطیل کنشگران مدارس، اختلافات؛ است که دشمن سعی می‌کند بیه اینها وانمود کند. اگر اختلاف هم هست دشمن ۱۰ برابر آن اختلاف را بزرگ می‌کند. يك طرفدار این، یکی طرفدار آن این برادران عزیز باید سعی کنند کوشش کنند پیام بدهند و هم مردم را به وحدت و یکپارچگی دعوت کنند. من هشدار می‌دهم به برادران پاسدار. یکبار از اجز نقشه دشمن، طبق تحقیق اطلاع که کسب شده است اینست می‌خواهند کاری بکنند شاید بتواند بین پاسداران و محصلان مدارس درگیری ایجاد کنند. محصلان مدارس را در مقابل پاسداران قرار بدهند. پاسداران عزیز شما هوشیارید و متوجهید. ا. بیشتر هوشیار باشید. البته ای نقشه‌های دشمن با هوشمندی مرد و همه مسئولان خنثی خواهد شد. حجت‌الاسلام خانم‌های دریایا، ضمن اشاره به توطئه‌های رنکارترک گفت: «همانطور که آن هفت گفتم الان هم تاکید می‌کنم تکرار می‌کنم اینها می‌خواهند فردای این مملکت، افراد درس خوانده و تحصیل کرده ندانند باشیم. شما دانش‌آموزان موطئه، را با هوشمندی خود قاطعانه خنثی کنید. از هیچ چیز هم باک نداشت باشید. مملکت مال شماست. آید این مملکت مال این محصلان ماست. اینها هستند که امره باید ریشه‌های گندیده ضدانقلاب را در هر نامی بکنند...»

دادگاه انقلاب سندج را بوظایف انقلابی متوجه سازید

حزب توده ایران بعنوان یکی از سادترین سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب و به‌عنوان جزئی که در طول تاریخ مبارزات مردم ایران بیشترین ضربات را از امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، متحمل شده است، بارها و بارها در مورد نحوه محاکمه و دستگیری جاسوسان و عوامل خودفروخته داخلی هشدار داده و یکبیرترین مشی را درباره سرکوب ضدانقلاب داشته و دارد. حزب ما به کرات هشدار داده‌است که محافل ناآگاه و گاه ضدانقلاب و عوامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا کوشش می‌کنند تا دادگاههای

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیژادی

شماره ۱۶۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه «مردم»
شونز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH
MARDOM

No. 337
20 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

ما از دادگاه انقلاب و همچنین از هیئت‌پاسازی سندج انتظار داریم که به این مسئله حیاتی توجه جدی‌تری بکنند و دروضع کارمندان دولت، بخصوص معلمان اخراجی تجدیدنظر نمایند و با این کسار انقلابی، دادگاهها و هیات‌پاسازی را در جهت اصلی خود، یعنی مبارزه با ضدانقلاب و پاسکاری عناصر ضدانقلابی هدایت کنند. دادگاه انقلاب باید علیه ضد-انقلاب عمل کند و نه علیه دوستان انقلاب.